



**انفجار در معدن زغال سنگ طبس کشته شدن ۵۱ کارگر معدنچی**  
گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویدادها در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۷

**بیانیه در مورد آموزش و پرورش در ایران**  
حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۲

**چالش های کودکان و خانواده ها در آغاز سال تحصیلی**  
کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۴

**امسال هفتصد و نود هزار دانش آموز از تحصیل محروم شدند**  
مهران محبی، صفحه ۶

**مبارزه طبقاتی عقیده نیست، تپش دائمی تاریخ است (۲)**  
یاشار سهندی، صفحه ۹

**کارزار "من یک نفرم، یکی از بی شمار زنان شهر"**، صفحه ۱۲

**تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و دیگر اخبار اعتراضی** صفحه ۱۱

**تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی ماهشهر و کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی ارغون گستر ایلام**  
صفحه ۱۱

**هفتمین سه شبه اعتراضی کارگران ارکان نالت در پالایشگاههای مختلف گاز و پارس جنوبی و تجمع**  
**اعتراضی کارگران رسمی در پالایشگاه گاز پارسپان لامرد** صفحه ۱۴

**۲ مهر: ادامه اعتراضات گسترده کارگران نفت، پنجمین روز تجمعات اعتراضی در پتروشیمی**  
ماهشهر، ادامه اعتراضات کارگران رسمی مراکز مختلف صفحه ۱۴

**دومین روز تجمع اعتراضی کارگران در پتروشیمی ماهشهر و اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت**  
صفحه ۱۴

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۵۰

۲ مهر ۱۴۰۳

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

**کارگران در هفته ای که**  
**گذشت**

تنظیم کننده کارگر

کمونیست، صفحه ۱۳

**از خوزستان خبر میرسد**

صفحه ۱۵

**تجمع معلمان بازنشسته**

**۱۴۰۲ و بازنشستگان**

**مخابرات**

شاغل و بازنشسته اتحاد

اتحاد، صفحه ۱۶

**مدیای اجتماعی**

صفحات ۵، ۱۷ و ۱۸





## بیانیه در مورد آموزش و پرورش در ایران

### وجود یک سیستم آموزش و پرورش

علمی، انسانی، پیشرو و غیر کالایی یک شرط مهم هر جامعه آزاد و انسانی است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی آموزش از پایه اصلی خود که علم و جستجوگری و نقد و زیر سوال بردن، رشد شخصیت و اعتماد به نفس و ارتقای فکری کودکان است، جدا شده است. تلاش سیستم حاکم این است که کودکان را به موجوداتی اسلامزده و خرافی و عقب مانده و مطیع و آماده شهادت بار بیاورد. این سیستم ضد ارزش‌ها و دستاوردهای تکنونی بشر برای یک آموزش و پرورش خلاق و علمی است، سیستم تخریب شخصیت و مغز کودکان است و جنایتی آشکار در حق کودکان و کل جامعه به شمار می‌رود. این فاجعه‌ای است که تمام مختصات ارتجاع اسلامی حاکم و بیگانگی آن با جامعه ایران را در ابعاد و زوایای مختلف بیان می‌کند و تنها با سرنگونی این حکومت می‌توان این وضعیت را از ریشه دگرگون کرد.

### آموزش و پرورش اسلامی دشمن کودکان است!

مبنای یک سیستم تحصیلی انسانی، آموزش آخرین دستاوردهای علمی در همه رشته‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری صرفنظر از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، احترام، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری، رشد ابتکار و خلاقیت، تقویت روحیه انتقادی و پرسشگری، استقلال فکری، رشد شخصیت، رشد آزادمنشی و ایده‌های برابری طلبانه و ضد تبعیض، و رشد روحیه فعالیت جمعی و مسئولیت‌پذیری در جامعه است. نظام آموزشی در جمهوری اسلامی درست در نقطه مقابل همه اینها و یک فاجعه تمام عیار است. سیستم آموزشی جمهوری اسلامی خودباوری و اعتماد به نفس را در کودکان می‌کشد، با تحمیل دروس و ایدئولوژی و خرافات مذهبی، و تبلیغ سیاست‌های تروریستی در منطقه کودکان را مغزشویی می‌کند، روحیه انتقادی و پرسشگری را از آنها می‌گیرد و فکر و شهادت آنها را منکوب می‌کند. تفکیک مدارس بر اساس جنسیت و حاکمیت آپارتاید جنسیتی در مدارس دانش آموزان را از احساسات انسانی زیبای دوران کودکی محروم می‌کند. به دختران دانش آموز حجاب اجباری تحمیل می‌کند و حداقل امکانات ورزشی و تفریحی را نیز از آنها سلب می‌کند. هویت جنسی و آموزش مسائل جنسی را به تابو تبدیل می‌کند و با کتب درسی اسلامی و مبتنی بر آپارتاید جنسیتی تبعیض و دگم و خرافه را به کودکان آموزش می‌دهد و کودکان را به مراسم مذهبی و اردوهای دینی-سیاسی می‌کشاند و حتی آنها را برای اهداف سرکوبگرانه مورد استفاده قرار می‌دهد. این سیستم فضای شاد و موسیقی و رقص را از دانش آموزان دریغ می‌کند و سوگواری و فضای غم و گریه را تحمیل می‌کند. به همه اینها موارد زیادی از تحقیر و حتی تبییه بدنی دانش آموزان را نیز باید اضافه کرد. این وضعیت در مورد دانش‌آموزانی که همچون افراد دارای معلولیت به کمک‌های ویژه نیاز دارند و در مورد مناطقی مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و لرستان از این هم به مراتب تکان‌دهنده‌تر است. این وضعیت باید به طور ریشه‌ای و بنیادی دگرگون شود.

### کالائی شدن آموزش و طبقاتی شدن تحصیل

کالائی شدن و پولی سازی آموزش و سلطه باندهای مافیائی و فاسد حکومتی بر سیستم تحصیلی یکی دیگر از معضلات جدی اکثریت جامعه ایران است که باعث شده که میلیونها کودک از چرخه تحصیل بیرون بیفتند. تامین هزینه‌های سنگین تحصیل برای مردمی که اکثرا به فقر مطلق رانده شده‌اند به یکی از معضلات اساسی بدل شده است. وجه دیگر این تراژدی، رشد مدارس خصوصی با شهریه‌های سنگین، اختصاص بودجه بسیار ناچیز برای آموزش و پرورش و کیفیت پایین آموزش در مدارس دولتی و عوارضی مانند مافیای کنکور و انواع فسادهای دیگر است. در کنار تجارت آموزش، مدارس دولتی مدرسی ناپیمن، بدون تجهیزات آموزشی و با

فضای آموزشی بسیار محدود در مقایسه با استانداردهای جهانی هستند. کاهش بسیار اسفناک قبولی دانش‌آموزان اکثر مدارس دولتی نسبت به مدارس خصوصی و سمپاد که به ویژه در دهه اخیر شیب تندی به خود گرفته است، نتیجه مستقیم این سیاست و شکاف عمیق طبقاتی است و به نوبه خود این شکاف را تشدید کرده است. روندی که هر ساله وضعیتی وخیم‌تر به خود می‌گیرد.

### سرکوب و مبارزه

جمهوری اسلامی اعتراض دانش‌آموزان و معلمان به این شرایط را با وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها پاسخ داده است. بسیاری از دانش‌آموزان را به قتل رسانده، مسموم کرده، و یا زندانی و شکنجه کرده است و بسیاری از معلمان را اخراج، زندانی، یا اعدام کرده است. این جنایت عظیمی است که از بدو حاکمیت جمهوری اسلامی شروع شده، در یکی دو دهه اخیر عمیقا تشدید شده و شرایط اسف‌باری را بر جامعه حاکم کرده است.

علیرغم همه این تلاش‌های جمهوری اسلامی، علیرغم همه بی‌حقوقی‌ها و سرکوب‌ها، دستگیری‌ها و شکنجه‌ها، معلمان و دانش‌آموزان در مقابل این سیستم ایستاده‌اند، مذهب در مدارس سکه یک پول شده و کل این سیستم آموزشی رسوا و بی‌آبرو شده است. معلمان خواهان آموزش علمی، غیر ایدئولوژیک و غیر کالایی هستند و دانش‌آموزان در سطوح مختلف آخوندها و واعظان در مدارس را دست می‌اندازند و هر روز بیش از پیش علیه مذهب و مقدسات مذهبی می‌شورند.

### حزب کمونیست کارگری چه می‌گوید؟

جامعه ایران با توجه به منابع انسانی و مالی این امکان را دارد که یک سیستم آموزش و پرورش انسانی، رایگان با استاندارد بالا، مدرن و خلاق و شاد و با امکانات کافی برای کلیه دانش‌آموزان و کودکانی که به سن تحصیل رسیده‌اند ایجاد کند و منابع و امکانات آموزشی با کیفیت باید به طور یکسان در اختیار کلیه دانش‌آموزان در سراسر کشور قرار داشته باشد.

مطالبات زیر را به پرچم مبارزه علیه حکومت اسلامی تبدیل کنیم و از یک آموزش انسانی و مدرن و علمی که متضمن رشد و شکوفایی کودکانمان باشد قاطعانه دفاع کنیم:

#### ۱- آموزش و پرورش رایگان

- آموزش عمومی و رایگان اجباری تا پایان دوره دبیرستان و برچیدن سیستم آموزشی کالایی. دانش‌آموزان در کلیه شهرها و روستاها باید به یک سیستم آموزشی با کیفیت دسترسی داشته باشند. دسترسی برابر به فرصت‌های یادگیری، حق همه دانش‌آموزان است.

- رایگان شدن کتاب‌های درسی و لوازم‌التحریر برای کلیه دانش‌آموزان در همه سطوح

- کلیه مدارس باید از تجهیزات کافی آموزشی مانند امکانات آزمایشگاهی،



می‌کنند. تعطیل فوری مدارس مخروبه و ناامن. کلیه مدارس باید از ایمنی کامل برخوردار بوده و به سیستم گرمایی و سرمایی ایمن مجهز باشند.

- تعداد دانش‌آموزان هر کلاس نباید از ۲۰ نفر تجاوز کند.

- ایجاد فضای مدرن، شاد و خلاق و تخصیص امکانات کافی و فضای لازم برای فعالیت‌های ورزشی، تفریحی، علمی و آموزشی در مدارس و همچنین فعالیت‌های فوق برنامه و تورهای تفریحی، علمی، آموزشی و ورزشی.

#### ۴- معلمان

- کمبود صدها هزار معلم، حقوق ناچیز معلمان و ناامنی شغلی بسیاری از آنان، سرکوب هر نوع آزادی بیان و تشکل برای معلمان و دانش‌آموزان و کنترل سیستماتیک آنان و بی‌سوادی بیش از ۱۰ میلیون نفر در کشور، گوشه‌ای از واقعیت تکان دهنده و دردناک آموزش و پرورش تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

- تامین حقوق و امکانات رفاهی و مرخصی کافی برای همه معلمان. معلمان باید بتوانند با فراغت و آمادگی جسمی و روحی به امر آموزش و پرورش کودکان بپردازند.

- اختصاص معلمان آموزش دیده ویژه دانش‌آموزانی که به دلایل جسمی یا ذهنی نیازهای ویژه‌ای دارند و فراهم کردن امکانات مختلف آموزشی برای این دانش‌آموزان.

- بالا بردن سطح کیفی دانشگاه‌های تربیت معلم و دبیر و دوره‌های متناوب آموزشی برای معلمان به منظور به روز شدن اطلاعات و دانش علمی آنان بر مبنای آخرین پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی و دستاوردهای آموزشی در کشورهای دیگر.

#### ۵- حقوق و آزادیهای دانش‌آموزان

- ممنوعیت هر نوع آزار دانش‌آموزان در مدارس و موسسات آموزشی.

- ممنوعیت اکید تنبیه بدنی.

- ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارباب دانش‌آموزان.

- احترام و اعتماد به دانش‌آموزان و تلاش مداوم برای رشد اعتماد به نفس، خلاقیت و استقلال فکری و شعور اجتماعی دانش‌آموزان شرط اول یک آموزش و پرورش انسانی و مدرن است.

- آزادی بی‌قید و شرط بیان، عقیده، اعتراض و آزادی پرسش و نقد و اظهار نظر برای دانش‌آموزان و معلمان. هر گونه تفتیش عقاید یا جاسوسی از معلمان و دانش‌آموزان ممنوع است.

- آزادی تشکل‌های دانش‌آموزان و معلمان و امکان و آزادی دخالت آنها در تمام زمینه‌های مربوط به مدیریت و برنامه‌های آموزشی. مدارس باید به صورت شورایی اداره شوند.

- رابطه نزدیک مدرسه با خانواده دانش‌آموزان، مطلع نگهداشتن خانواده‌ها از وضعیت مدارس، آزادی تشکل انجمن‌ها و نهادهای مدنی برای نظارت بر مدارس

- برای تحقق کلیه این مطالبات لازم است بودجه کافی به آموزش و پرورش اختصاص داده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ شهریور ۱۴۰۳، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴

از صفحه ۲

## بیانیه در مورد آموزش و ...

دیجیتالی و غیره برخوردار باشند.

- ایجاد سلف سرویس در همه مدارس و یک وعده غذای گرم، باکیفیت و رایگان برای دانش‌آموزان در همه دوره‌های تحصیلی

- اختصاص سرویس رایگان ایاب و ذهاب ویژه مدارس و در دسترس برای کلیه دانش‌آموزان

- ریشه‌کن کردن بیسوادی و رشد دائمی سطح سواد و اطلاعات علمی و فنی اهالی کشور. آموزش حق همه مردم است و دسترسی افراد به آموزش و دوره‌های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

- تشویق دانش‌آموزانی که در سطوح مختلف مدارس مجبور به ترک تحصیل شده‌اند به ادامه تحصیل و ایجاد امکانات لازم برای ادامه تحصیل آنها همراه با تامین زندگی آنها در دوره تحصیلی. در این راستا برنامه‌ریزی ویژه برای بازگشت به تحصیل کودکان کار و خیابان.

- آموزش به زبان مادری حق همه دانش‌آموزان است. ایجاد امکانات آموزش به زبان مادری برای همه دانش‌آموزان در سراسر کشور.

#### ۲- دست مذهب از آموزش و پرورش کوتاه

- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیرمذهبی هستند، و تمامی پروژات سیاست‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی مانند حجاب اجباری، ترویج فرهنگ شهادت، تبلیغ تروریسم و مشابه اینها باید در مدارس ممنوع و از کتاب‌های درسی حذف شوند. باید به حضور آخوندها و مبلغان اسلامی در مدارس و سپردن مدارس به موسسات مذهبی و مساجد پایان داده شود.

- ممنوعیت تفکیک جنسیتی در کلیه مدارس و در تمام سطوح تحصیلی. جدایی دانش‌آموزان بر اساس جنسیت بی‌رحمی و ظلم عظیمی در حق دانش‌آموزان است.

- جایگزینی کتب درسی جدید با محتوای علمی مطابق پیشرفته‌ترین استانداردهای جهان به جای کتاب درسی اسلامی و عقب‌مانده کنونی. حذف هر نوع تعصبات قومی، ملی، نژادی، مذهبی و شوینیستی از کتب درسی. تدریس علوم انسانی و اجتماعی که در جمهوری اسلامی حذف و یا تماماً اسلامیزه شده است بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی.

- آموزش مسائل جنسی باید جزو دروس اجباری در مدارس قرار بگیرد و متناسب با سنین مختلف آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان داده شود. از جمله تفاوت‌های بدنی بین پسر و دختر، اهمیت محترم شمردن بدن خود و دیگران، به رسمیت شناختن گرایش‌ها و هویت‌های متفاوت جنسیتی، مباحثی مانند بلوغ، تولید مثل، بهداشت جنسی و روابط عاطفی و جنسی، پیشگیری از بارداری ناخواسته، بیماری‌های مقاربتی، مفاهیم رضایت در روابط و حقوق فردی، اهمیت روابط سالم و احترام به مرزهای شخصی و اجتماعی.

#### ۳- تامین امکانات آموزشی کافی

- نوسازی و تجهیز مدارس و ساخت مدارس جدید با استانداردهای بالای ساختمانی به تعداد کافی در سراسر کشور به ویژه در مناطق روستایی و محروم که در حال حاضر دانش‌آموزان این مناطق حتی در کانکس و کپر و مشابه اینها تحصیل

## چالش های کودکان و خانواده ها در آغاز سال تحصیلی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی



و عقب ماندگی سیستم آموزش حاکم هستیم. جواب را در ساختار قدرت و درک آن از آموزش می بایست جستجو کرد.

آموزش و پرورش - به معنای حقیقی آن - از جمله موضوعاتی است که رژیم غارتگر اسلامی، برای آن پشتیبانی ارزش قائل نیست. سال ها تلاش کرده است "آب به نافش ببندد" و کاریکاتوری از آموزش را بجای رابطه حقیقی و سالم آموزشی در جامعه ایجاد کند. این موضوع دو علت اساسی دارد. اول اینکه، طی سال های حاکمیت دزدان اسلامی، تلاش شده است تا مناسبات آموزشی میان تهری و ارتجاعی، یعنی "آموزش مکتب خانه ای"، یا همان "آموزش ملایی"، که نه بدرد کودک و نه جامعه می خورد را جایگزین آموزش واقعی و استاندارد کند. یعنی به جای آموزشی که اولاً محصول رابطه مدرن و امروزی باشد و در ثانی بیشتر نقش ابزاری علمی، برای بقا و رشد و ایجاد رابطه در جامعه را داشته باشد.

نکته بعدی، نگاه حاکمیت به جهات مادی مقوله آموزش است. اولاً آموزش همگانی که طبق "قانون اساسی" می بایست رایگان باشد، مستلزم صرف هزینه و تخصیص امکانات است و این همان بخشی است که حاکمیت دزدسالار ظرف 45 سال اخیر از زیر آن شانه خالی کرده و با کثیف ترین حيله ها به گردن جامعه و مردم انداخته است. نتیجه اش ویرانه ای بنام آموزش و پرورش است که بدست یک عده "مجانین"، با عقب مانده ترین شیوه ها و سیستم ها در حال فروپاشی است. کمبود فضای آموزشی، کهنه و فرسوده و غیر استاندارد بودن کلاس های درس، برگزاری کلاس ها در غیر استاندارد ترین شکل ممکن - کپر، کانکس، در معابر و فضاهای نا امن - کمبود شدید نیروی آموزشی و معلم و شرایط بسیار دشوار محیط ها و مناسبات مدرسه، از پیامدهای مشهود این دستگاه خشونت و وحشت علیه کودکان است.

خصوصی سازی به طمع کسب درآمد و ثروت

طی سال های حاکمیت دزدان سرمایه دار تلاش ویژه ای برای تبدیل حق آموزش به امتیاز در سطح کلان صورت گرفته است. حکومت بجای بالا کشیدن سطح علمی و استاندارد آموزش عمومی؛ به فکر کسب سود و ثروت و تبدیل آموزش کالای پر منفعت برآمده است. با تبدیل کردن به کالا و عرضه آن در اشکال مختلف، و محروم ساختن - عمدی - کودکان و جامعه، دست در دست مافیای آموزش در قالب ها و اسامی جور واجور، در صدد خالی کردن جیب مردم و پر کردن حساب های شخصی مدیران رده بالای حکومتی و مشتى مفت خور با نام های رنگارنگ است. مافیای کنکور، مدارس غیر انتفاعی، مدارس سمپاد، انتشاراتی های غول پیکر - مثل گاج، قلم چی و غیره، رویا و زندگی کودکان و مردم را می دزدند و تبدیل به سرمایه برای بهره کشی بیشتر می کنند.

در شرایط عادی و یک جامعه و مناسبات متعارف، آغاز سال تحصیلی با شور و شادی و هیجان همگانی همراه است. اما در کشور دیکتاتور زده و اشغال شده - بقول امروزی ها - نه تنها جذاب نیست؛ که همراه با درد و رنج و محرومیت های فراوان است.

ماراتن چند مرحله ای مدرسه رفتن کودکان، با گیر و دارهای ثبت نام و شهریه و بالا و پایین شدن در هزارتوی ادارات و مدرسه ها؛ کودکان و والدین را مواجه با رفتارها و آئین نامه هایی می کند، که با هیچ زبان انسانی قابل تفسیر و توضیح نیست. مقررات خشک و عقب مانده در پذیرش و مراحل ورودی - هزینه لباس فرم، هزینه کتاب های درسی، لوازم و نوشت افزار با قیمت های سر به فلک کشیده -، در ابتدای راه، کام آنان را تلخ و زهر آگین می کند. و این پرسش مدام که؛ "چه چیز آموزش، طبق قانون اساسی، رایگان است؟"

تازه این سرنوشت آنهایی است که با هر مشقتی "دست شان به دهنشان رسیده" و توانستند از "دروازه جهنم" آموزش و پرورش وارد شوند. تکلیف بیشمار دانش آموزانی که قادر به ثبت نام نشدند؛ که به گفته مسئولان، آمارشان سر به میلیون می زند و کودکانی که در هیچ مرجع و نهاد آماری هویت شان ثبت نشده و مادام العمر از دسترسی به آموزش محرومند، علی السویه است. کودکان بدون شناسنامه استان های جنوبی و شرقی و دیگر مناطق و کودکان مهاجر از این دسته اند. این همه منهای کودکانی است که به دلایل گوناگون و بخصوص اشتغال به کار - در خیابان ها و کارگاه ها و کولبری و سوختبری و غیره - از تحصیل و کودکی محروم هستند و آمارشان از چند میلیون هم تجاوز کرده است.

### آمارها چه می گویند!

طبق آمار اعلام شده "سال تحصیلی جدید حدود ۱۶ میلیون دانش آموز از امروز آغاز می شود؛ طبق آخرین آمار آموزش و پرورش هنوز ۷۹۰ هزار دانش آموز در مدارس ثبت نام نکرده اند". این آمار ها در کل دروغین است. شما نه از تعداد کل دانش آموزان در سن تحصیل اطلاعی دارید و نه از تعداد حقیقی کودکان در کل ایران. به سادگی کودکان پناهجو از لیست قلم خورده اند. اما می توان حدس زد که نزدیک به ۱۹ میلیون کودک نیازمند تحصیل داریم که با وجود امکانات آموزش و پرورش، کمتر از ۱۳ میلیون کودک قادر به ورود در مدارس هستند. با توجه به اینکه نه تنها حتی یک کلاس به مجموعه آموزش اضافه نشده و اتفاقاً برعکس، وزارت آموزش و پرورش تعداد زیادی از مدارس اهدایی مردم را به فروش رسانده و کوچکتر شده، همچنین کمبودی نزدیک به ۹۰ هزار معلم دارد؛ چگونه است که آمار ثبت نامی ها و ورودی ها اینچنین افزایش پیدا کرده است؟

"دم خروس" قضیه اینجاست که؛ کل بودجه سال ۱۴۰۳ وزارت آموزش و پرورش مجموعاً ۲۷۸ هزار میلیارد تومان است - که همین مقدار کفاف حقوق معلمان و کارمندان را هم نمی دهد. اما در مقابل بودجه دستگاه های نظامی مجموعاً ۴۸۷ هزار میلیارد تومان است که ضمناً مصوب کرده اند ۱۳۲ هزار میلیارد تومان هم به شکل بشکه نفت برای فروش به آنان داده شود.

### علت این غفلت و محرومیت چیست؟

یکی از شاخص های رشد و در جهان متمدن، رشد مناسبات و شیوه های آموزش در کنار و همسان با علوم و تکنولوژی در یک جامعه است. اما در ایران (و بعضی از کشورها)؛ با وجود رشد تکنولوژی و بهره مندی مناسبات اجتماعی از تکنولوژی و مدرنیته و همچنین پیشرو و مدرن بودن مردم و درکل جامعه، کماکان شاهد پس رفت

## فراخوان به مناسبت سالگرد جمعه خونین زاهدان



هشتم مهر ماه ۱۴۰۳، برابر با ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴، دومین سالگرد جمعه خونین زاهدان، یکی از شنیع ترین و تکان دهنده ترین جنایات جمهوری اسلامی است. به گلوله بستن تظاهر کنندگانی که به تجاوز یک فرمانده سپاه به یک دختر بلوچ اعتراض داشتند و کشتار دستکم صد نفر از آنها مصداقی از نسل کشی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت است که جمهوری اسلامی دهه هاست که علیه مردم بلوچ اعمال کرده است. از جمله مردم بلوچستان به تناسب جمعیت بیشترین قربانیان ماشین اعدام جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند.

اعتراض به جمعه خونین و علیه جمهوری اسلامی سازمان داده شده است حمایت میکنیم.

گرامیداشت یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان و محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی در اجتماعات دومین سالروز جمعه خونین زاهدان، فرصتی برای تحکیم اتحاد همه ایرانیان در مبارزه برای پایان دادن به جمهوری اسلامی و اعدام زندان و تبعیض و نابرابری است.

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران  
۳ مهر ماه ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴  
برگرفته از مدیای اجتماعی

در عین حال همبستگی مردم سراسر ایران با مردم بلوچستان در جریان انقلاب زن زندگی آزادی و اعتراضات گسترده به جنایت مدهش جمعه خونین زاهدان، مصداقی است از تعمیق همبستگی مردم بخش های مختلف ایران با مردم بلوچستان و خود صفحه جدیدی از مبارزه متحد مردم سراسر ایران برای رهایی از نکت جمهوری اسلامی اعدام گشوده است.

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران همراه با مردم بلوچستان و سراسر ایران، همراه با ایرانیان ساکن کشورهای مختلف جهان دومین سالروز جمعه خونین زاهدان را بعنوان روز اعتراض جهانی به جنایت و نسل کشی و ماشین اعدام جمهوری اسلامی در بلوچستان قلمداد میکند و همراهان خود را به برپایی اعتراضات و تظاهرات و اجتماعات در این روز فرامیخواند. ما همچنین از برنامه هایی که فی الحال در



ماست، برای پشت سر گذاردن تبعیض و محرومیت و حقارت کودکان مان در چارچوب مدارس پوسیده رژیم دزد سالار و برای دست یافتن به جهانی شایسته خود و کودکان مان، می بایست کل نظام و دستگاه بوروکراسی حاکم را در هم بشکنیم. خوشبختی ما و کودکان ما، در گرو تشکل و سازمان یابی ما در حزب انقلابی طبقه کارگر است. پیوستن به صف حزب کمونیست کارگری، راه مستقیم بدست آوردن شأن و منزلت انسانی کودکان و همه هیچ بودگان است.

زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی  
زنده باد حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۴

## چالش های کودکان و خانواده ها ...

اما با آغاز جنبش انقلاب زن، زندگی، آزادی، تا حدود زیادی این معدلات بهم خورد و آنچه را که حاکمیت سال ها "رشته بود، پنبه شد". بخش مهمی از معترضان در انقلاب مهسا، دانش آموزان انقلابی بودند که از صفوف مدارس به خیابان ها و میداین مبارزه آمدند. نیکاهای و ساریناها از همین دسته اند که به نمادهای این جنبش انقلابی و تمامیت خواه بدل شدند.

با همه فشارها و سرکوب ها، این جنبش همچنان سر زنده و پویاست. یکی از خواست های اصلی جنبش انقلابی دانش آموزان، پایان دادن به تبعیض و نابرابری آموزشی و دست یافتن به آموزش و پرورش انسانی و پیشرو است و دوشادوش دیگر جنبش های جامعه برای در هم شکستن ساختار قدرت و فرو ریختن کل نظام حاکم در تلاش و تکاپوست. جنبش شوراهای دانش آموزی، حکومت و متولیان آموزش و پرورش را به در یوزگی کشانده و ثابت کردند که در مقابل زور و تهدید و سرکوب "ایستاده اند تا پایان".

برای ما کارگران؛ همچون دیگر مزدبگیران چاره ای جز فرو ریختن کل بساط سرمایه حاکم نمانده است. ما برای گذر از فلاکت و فقری که دامنگیر ما و کودکان





## امسال هفتصد و نود هزار دانش آموز از تحصیل محروم شدند

مهران محبی

در تازه ترین اخبار مربوط به بازگشایی مدارس در سال جدید از بازگشت ۱۶ میلیون دانش آموز به مدارس و غیبت ۷۹۰ هزار دانش آموز خبر داده می شود.

طبق خبر اعلام شده توسط محمد علوی تبار معاون سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۸۹۰ هزار دانش آموز هنوز کتاب های درسی خود را سفارش نداده اند که از این تعداد ۱۰۰ هزار در مدارس ثبت نام کرده اما کتاب درسی خود را سفارش نداده اند و ۷۹۰ هزار دانش آموز اصلا در مدارس ثبت نام نکرده اند.

در همین اخبار آمده است که در سال تحصیلی جدید ۱۷۶ هزار معلم کمبود وجود دارد که ۹۳ هزار نفر از طریق آزمون استخدامی فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان و معلمان خرید خدمت شده و بقیه کمبود از طریق اضافه تدریس (اضافه کاری) معلمان شاغل و بازنشسته جبران خواهد شد.

این آمار اضافه می کند که ۵/۲ درصد از دانش آموزان ابتدایی و ۸ درصد از کلاس اولی ها امسال ثبت نام نکرده اند.

واضح است که مجموع دانش آموزان بازمانده از تحصیل (به زعم علوی تبار، غایبین) در این آمار دانش آموزانی هستند که تا امسال با وجود مشکلات فراوان اقتصادی و مادی خانواده هایشان امکان ورود به مدارس یا ادامه حضور در کلاس های درس را داشته و در آمار بازماندگان از تحصیل سال های گذشته نبوده اند و این ۷۹۰ هزار دانش آموز، امسال به آمارهای قبلی اضافه شده اند.

چندی پیش نایب رئیس کمیسیون آموزشی مجلس اعلام کرده بود که حدود یک میلیون از کودکان زیر ۱۲ سال بیسواد مطلق (هرگز به مدرسه راه نیافته) هستند و ۲۷۹ هزار نفر هم به خاطر مشکلات مالی ترک تحصیل کرده اند.

این آمارها توسط مسئولان حکومتی و به طور رسمی انتشار یافته اند و همه می دانند که مانند هر آمار دیگر حکومتی فقط بخشی از واقعیت را منعکس می کنند. در این آمار علاوه بر دستکاری شدن آمار واقعی برای کم نشان دادن ابعاد وسیع بیسوادی و بازماندن از تحصیل دانش آموزانی که طبق قوانین ضد انسانی و ضد کودک جمهوری اسلامی می توانند برای حضور در مدارس ثبت نام کنند، صدها هزار و شاید میلیون ها کودک و نوجوان بی شناسنامه در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان و فرزندان مهاجرین افغانستانی مشمول برخورداری از حق تحصیل نمی شوند و در آمار رسمی به حساب نمی آیند.

علوی تبار علت به زعم خودش غیبت کردن ۷۹۰ هزار دانش آموز و حضور نیافتن آنها در کلاس های درس امسال را ممانعت برخی مدارس دولتی عادی برای ثبت نام از دانش آموزان با نمرات ضعیف یا عدم ثبت نام به بهانه نداشتن جا عنوان کرده است!

این هم نمونه ای دیگر از بی حد و حصری وقاحت مقامات و عوامل جمهوری اسلامی است. فقط مهره های وقیح حکومتی ظرفیت و خاصیت پوشاندن یک وقاحت را با وقاحتی دیگر دارند. می گوید علت ثبت نام نکردن ۷۹۰ هزار دانش آموز، ممانعت مدارس دولتی به خاطر نمرات ضعیف دانش آموزان بوده است! اما همین مهره وقیح و کثیف خودش به عدم ورود ۸ درصد از دانش آموزان کلاس اولی به مدرسه صحبت می کند که هنوز درس را شروع نکرده و هیچ نمره ای نگرفته اند.

بگذارید لحظه ای خود را در مقام نا آشنا با این دروغگویی های حکومتی قرار دهیم تا این سؤال را از این دزدان و چپاولگران بیرسم که مدارس دولتی که با هزینه عمومی اداره می شوند با چه حقی می توانند دانش آموز را با فرض اینکه نمره ضعیف دارد، از ادامه تحصیل منع کند؟

چرا اعتراف نمی کنند که برخی مدیران دزد و چپاولوس در بعضی مدارس دولتی بابت ثبت نام از والدین دانش آموزان درخواست مبالغی به عنوان شهریه و کمک به مدرسه و

غیره می کنند و به خاطر عدم توان مالی والدین در پرداخت آن مبالغ، دانش آموزان از تحصیل باز می مانند؟ چرا نمی پذیرند که بخاطر ناتوانی والدین در تأمین هزینه های تحصیلی که سال به سال سنگین تر می شوند، دانش آموزان از حق تحصیل محروم می شوند؟ و چرا مسئولیت تحمیل فقر و نداری و گرانی بر اکثریت مردم را بر عهده نمی گیرند که باعث عدم ورود به مدرسه و ترک تحصیل میلیون ها کودک شده و به جای حضور در کلاس های درس و بهره مند شدن از علم و دانش راهی بازار بی رحم کارهای زیر زمینی شده و به عنوان کودکان کار مورد سواستفاده کارفرمایان قرار می گیرند و یا گرفتار در دام های باندهای مواد مخدر و انواع بزهکاری ها می شوند؟

اما مردم می دانند که چرا فرزندانشان از تحصیل محروم می شوند. می بینند که چه هزینه های سرسام آوری برای ارگان ها و نهادهای سرکوبگر نظامی و تحقیق کننده و خرافی مذهبی صرف می شود و در کنار آن ها چه پول هائی مانند آنچه از طریق شرکت "چای دیش" دزدیده شد، سالانه دزدیده می شوند.

یک چهارم کل بودجه سال ۱۴۰۳ معادل ۷۲۲ هزار میلیارد تومان به نیروهای مسلح شامل ارتش، سپاه و نیروی انتظامی تعلق گرفته و سهم نهادهای مذهبی و فرهنگی اسلامی و حوزه های علمیه از بودجه ۶۷ هزار میلیارد تومان بوده است. بودجه قوه قضائیه ۸۵ هزار میلیارد تومان و هزینه نمایش تبلیغاتی مذهبی اربعین ۱۲ هزار میلیارد تومان بوده که صرف تسهیلات و پر کردن شکم زائرین و سینه چاکان اربعین شده است. همچنین مجموعاً برای ارگان ها، نهادها و دستگاه های ضد مردمی و فراتر از آن ضد بشری بیش از ۹۰۰ هزار میلیارد تومان از بودجه و از ثروت عمومی و اجتماعی صرف می شود. در حالیکه برای آموزش و پرورش که به عموم مردم مربوط می شود و دولت موظف به تأمین امکانات آموزشی برای همه کودکان و نوجوانان تا پایان دبیرستان است، فقط ۲۷۸ هزار میلیارد تومان از بودجه سهم دریافت می کند.

همه این واقعیات را مردم می بینند و می دانند که علت فقر و نداری گسترده در جامعه دزدی های هزاران میلیارد تومانی حکومتی و بودجه های هزاران تریلیونی ای هستند که به دستگاه های سرکوب و پرورش تروریسم و آخوند اختصاص داده می شوند. شعار "فقر، فساد، تورم، بلای جان مردم" در تجمعات هفته ای بازنشستگان بر گرفته از همین واقعیات است که جامعه به آن واقف و آگاه شده اند.

اما مردم راه خلاصی خود از نکت و فقر و نداری را نیز یافته اند. انقلاب با شعار "زن، زندگی، آزادی" تنها راهی است که جامعه در برابر خود دیده و از دو سال پیش در دستور کار فوری برای پایان دادن به عمر حکومت اسلامی و پایان دادن به همه ناهنجاری ها، مشکلات و معضلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و برپایی جامعه ای آزاد و برابر قرار داده است.

شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی"، از جمله شعارهای اساسی و عمومی مردم در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برای پایان دادن به همه ناکامی ها و مشکلات اقتصادی و معیشتی تحمیل شده بر جامعه بود و باید مجدداً و با قدرت بیشتر و گسترده تر سر داده شود.

شرط اول ایجاد دنیای شاد و مسرور برای کودکان، دنیایی که همه کودکان در آن به جای پرسه زدن در مکان های تخلیه زباله و زیر و رو کردن سطل های زباله یا کار در کارگاه های مخوف و گرفتار شدن در دام های فراوان و آسیب دیدن های روحی و جسمی، در کلاس های درس حاضر باشند و فنون زندگی سالم و انسانی را فرا بگیرند، سرنگونی جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و این وظیفه فوری همه ما مردم خواهان آزادی و خوشبختی است.



## انفجار در معدن زغال سنگ طبس کشته شدن ۵۱ کارگر معدنچی

### گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویدادها در تلویزیون کانال جدید

میثم عتیق: کارگران مشغول مرگند. این واکنش کوتاه اسماعیل بخشی از رهبران کارگران نیشکر هفت تپه به فاجعه ای است که در معدنی در شهرستان طبس رخ داده و کل جامعه را در شوک فرو برده. بنا بر اخبار منتشر شده شامگاه شنبه ۳۱ شهریور ماه در پی انفجاری در یکی از کارگاههای معدن زغال سنگ طبس بیش از ۵۰ کارگر کشته و دهها نفر زخمی شدند که حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است. گرچه به مانند موارد مشابه و مطابق انتظارشاهد اطلاع رسانی قطره چکانی جمهوری اسلامی هستیم و اطلاعات ضد و نقیضی از سوی مقامات جمهوری اسلامی در مورد تعداد کشته شدگان و علت حادثه گزارش میشود اما محمد جواد قناعت استاندار خراسان جنوبی علت این حادثه را نشت گاز متان در بلوک C این معدن عنوان کرده که ابتدا ظاهراً به خستگی کارگران و سپس انفجاری بزرگ منجر شده است. در همین رابطه محمد رضا بهرامند رئیس خانه معدن ایران در واکنش به حادثه معدن زغال سنگ طبس امروز صبح گفته است که بارها گوشزد کرده ایم که وضعیت ایمنی معدن زغال سنگ کشور تا چه اندازه پایین بوده و استانداردهای مرسوم خارج است که باید مورد توجه قرار گیرد. او اضافه کرده که وضعیت ایمنی و سلامت کارگران در معدن زغال سنگ کشور در بدترین حالت خود قرار گرفته است. انفجار در معدن و کشته شدن کارگران معدنچی پیشینه ای طولانی در ایران دارد که در آخرین نمونه های می شود به کشته شدن شش کارگر در معدن دامغان در سال گذشته و همچنین مرگ دلخراش چهل و چهار کارگر در معدن یورت زغال سنگ طبس در سال ۹۶ اشاره کرد. با این وجود انفجار اخیر در معدن طبس از نظر میزان خسارات جانی به کارگران بزرگترین فاجعه در تاریخ جمهوری اسلامی محسوب میشود. توجه داشته باشید که به محض انتشار خبر انفجار معدن طبس واکنش های اعتراضی گسترده ای از سوی کاربران شبکه های اجتماعی نسبت به حکومت شروع شده است. همچنین بازنشستگان فولاد اصفهان نیز در تجمع روز یکشنبه یکم مهرماه خود با کارگران معدن طبس اعلام همبستگی کردند و از درد مشترکی که همه کارگران ایران دارند صحبت کردند. در برنامه امروز گفتگویی داریم در همین رابطه با شهلا دانشفر. اما قبل از هر چیز از طرف دست اندرکاران تلویزیون کانال جدید و برنامه رویدادها با کارگران معدن طبس، خانواده های کشته شدگان و مردم این شهر عمیقاً ابراز همدردی میکنیم و اعلم میکنیم که در مواجهه با این فاجعه کنار آنها ایستاده ایم. شهلا دانشفر خبر بسیار تکاندنده است. فاجعه مرگبار معدن طبس را چگونه می بینید و از نظر شما علل و زمینه های وقوع چنین فاجعه ای چه مواردی هستند؟

شهلا دانشفر: من هم به سهم خودم نسبت به این فاجعه تکاندنده ابراز تاسف میکنم و به خانواده های این عزیزان، به معدن کارگران معدن معدنچی طبس و به همگان تسلیت میگویم. خبر دردناک و تکاندنده ای است. و همانطور که اشاره کردید از نظر میزان خسارات جانی به کارگران بزرگترین فاجعه در تاریخ جمهوری اسلامی محسوب میشود. در ایران از معدن مرگ صحبت میشود. مقامات حکومتی تازه وقتی اتفاقی می افتد و زیر فشار جامعه زبانشان باز میشود و از وضعیت پر مخاطره معدن صحبت میکنند. میدانند مردم عصبانی هستند. مردم میزنند روی سرشان و میخواهند به شکلی فضا را آرام تر کنند. اما وقتی اوضاع میخوابد. باز همچنان نظاره گر هستند. نظاره گر سودجویی های کارفرمایان مفتخور که مضایقه میکنند از صرف کوچکترین هزینه ای برای امنیت، سلامت و حفظ جان انسانها و تمام هدفشان سود است و هر روزه جنایت می آفرینند. این منطقی است که بر

تمامی محیط های کار حاکم است. در سال گذشته بر اساس آمارهای دولتی بیش از ۲۱۰۰ کارگر بخاطر عدم ایمنی محیط کار جان خودشان را از دست دادند که همیشه گفته میشود بیشترین رقم آن مربوط به معادن است. همچنین در گزارشی دیگری آمده است که ۲۶ کارگر در معادن ایران طی هشتاد و هفت روز اول سال ۱۴۰۳ درگذشته اند. ما میدانیم همه این موارد که منجر به چنین فجایعی میشود از قبل گزارش شده است. مسئولین کار از آن مطلع هستند اما برای اینکه لحظه ای چرخه تولید نخوابد و به سودشان لطمه ای نخورد، کارگران را به کام مرگ می سپارند. انفجار معدن طبس در دو تونل آن صورت گرفته است. بیش از ۵۰ نفر کشته شده اند و هنوز تعدادی در عمق صد متری زمین حبس هستند و خبرها از احتمال افزایش تلفات این انفجار گزارش میدهد. کارگران معدن طبس با دیدن این اتفاق سهمناک دچار شوک شده اند. این فاجعه با واکنش های اعتراضی بسیاری روبرو شده است. سودجویی های کارفرمایان در همراهی با دولت حامی سرمایه داران نتیجه اش همین است. نتیجه اش کشتار کارگران در محیط های کار است.

میثم عتیق: اتفاقاً میخواهیم در همین مورد صحبت کنیم. شما هم اشاره ای داشتید که اینها خودشان میدانند چه خبر است. همین موردی که اشاره کردید در سال ۹۶ در معدن زغال سنگ یورت در همین شهر در طبس اتفاق افتاده کمیته حقیقت یاب بالاخره اعلام کرده بود که مقصر کارفرما بوده. به نظر میاید که اتفاق مشابهی را در یکی دیگر از کارگاههای معدن زغال سنگ طبس شاهدیم. از شما میخواهم به ما بگویید وقتی از حوادث مرگبار کارگری صحبت میکنید در رابطه با چه ابعاد و چه پیشینه ای صحبت میکنیم. رویکرد جمهوری اسلامی و کارفرمایان در برخورد با این حوادث چه بوده و چه اقدامی برای جلوگیری از این فجایع تا کنون انجام داده اند؟

شهلا دانشفر: هر فاجعه ای که روی میدهد اولین رویکرد جمهوری اسلامی اینست که اوضاع را تحت کنترل بگیرد تا مبادا اعتراضی صورت بگیرد. بعد گزارشی های کاذب و ضد و نقیض و پنهان کردن حقایق از کارگران و مردم است. طبعاً کارگران و مردم میدانند که ماجرا از چه قرار بوده است و حکومت ها بتدریج سعی میکنند حساب شده گوشه هایی از ماجرا را طرح میکنند تا اینکه موضوع مشمول مرور زمان شود. خیلی که زیر فشار قرار بگیرند نهایتاً مهره های کوچک خود را بعنوان مقصر و عامل خطا جلوی اندازند و بعضاً قربانی میکنند. و دوباره همین معادن مرگبار با همان شرایط کشنده و غیر استاندار کاری کار خود را از سر میگیرند. بارها در مورد برخی از معادن گفته شده که بخاطر خطرات جانی بالا باید تعطیل شوند. ولی اقدامی صورت نگرفته است. در برخورد با خانواده ها نیز با وقاحت تمام از پرداخت دیه صحبت میکنند. در بسیاری از مواقع خانواده به خشم آمده و اعلام کرده اند که خون را با پول نمیشود خرید. ما در مقابل جان عزیزانمان دیه نمیخواهیم. ما دادخواهیم. الان خانواده های کشته شدگان معدن دادخواهند. بدین ترتیب اینجا هم جمهوری اسلامی میخواهد جنایتش را با دروغ، با تکذیب، با ضد و نقیض گویی و بعد با دیه این قانون کثیف اسلامی شان لاپوشالی کنند. و در عین حال برای



جنایتکار معدن و سکوت وزارت کار و مقامات دست اندر کار خبر داده اند. گزارشاتی که همدستی کامل کارفرمایان مفتخور و رده های مختلف حکومتی را در چنین جنایاتی میتوان دید. و وقتی حادثه روی میدهد آنوقت سر و کل "مدیریت بحران" و مقامات رنگارنگ حکومتی پیدا میشود تا مبادا اعتراضی شکل گیرد. خصوصا امروز در فضای انقلابی جامعه چنین فجایعی بیش از پیش حکومت را به هراس می اندازد.

خبر انفجار در معدنجوی طبس قلب همه را به درد آورده است. بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان که امروز یکم مهرماه برای پیگیری مطالباتشان به خیابان آمده بودند، با شعار "معدنکاران طبس، تسلیت تسلیت" خشم و نفرت خود را نسبت به این بساط توحش و بربریت فریاد زدند.

آنچه شب گذشته در معدنجوی طبس روی داد یک قتل و جنایت آشکار است. خانواده های کارگران طبس دادخواهند. همراهشان باشیم و در همه جا با فریاد محیط امن کار حق مسلم ماست، صدای اعتراض معدنچیان طبس و خانواده های جانباختگان این فاجعه انسانی را بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

## فاجعه ای تکانه‌دهنده در معدن زغال سنگ معدنجو

یک فاجعه دیگر و باز هم کارگرانی که تولید می کنند و در پای سرمایه قربانی می شوند! حوالی ساعت ۹ شب ۳۱ شهریور، انفجار بزرگی در دو تونل معدن زغال سنگ معدنجو در طبس رخ داد و بار دیگر فاجعه ای انسانی به وقوع پیوست و جان شماری از کارگران را گرفت. بنا بر آخرین گزارشات تا کنون تعداد ۵۱ نفر جان خود را از دست داده و شمار دیگری مصدوم شده اند که خطر افزایش شمار قربانیان وجود دارد. این فاجعه تکانه‌دهنده همه کارگران در این معدن را دچار شوک و غم کرده است.

حزب کمونیست کارگری جاخباختن این عزیزان را به خانواده هایشان، به معدن چیان طبس و به همگان تسلیت میگوید.

عامل این انفجار نشست گاز ذکر شده است. اما کیست نداند که عامل آن سودجویی مستی سرمایه دار چپاولگر و مفتخور است که ایمنی شرایط کار کارگران برایشان ذره ای اهمیت ندارد. سرمایه دارانی که در پناه حکومت آدمکش حامی خود بدون صرف کوچکترین بودجه برای امنیت و جان کارگران دارند هر روز در محیط های کار جنایت میکنند و قربانی میگیرند.

به گفته محمدعلی آخوندی مدیرکل مدیریت بحران استان خراسان جنوبی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با استناد به گزارش حاضران در صحنه در زمان انفجار احتمالا ۶۹ نفر در معدن مشغول فعالیت بوده اند.

این اولین یار و آخرین حادثه در معدن ایران نیست. معدن ایران که معادن مرگ نام گرفته اند. در حوادث مشابه آنچه که امروز در معدن زغال سنگ طبس روی داده است، گزارشات همواره از خبر قبلی وقوع چنین خطراتی و عدم توجه صاحبان

## انفجار در معدن زغال سنگ طبس ...

از صفحه ۷

شد. الان هم فاجعه ای که در چنین ابعادی روی داده باید با همین نوع واکنش روبرو شود. با اعتراض کارگران معدنچی طبس و کسانیکه در آن منطقه کار میکنند روبرو شود. مردم با خانواده های عزیزان جانباخته در این معدن همراه شوند و صدای اعتراضشان را بلند کنند. همینطور مردم شهر و تمامی کارگرانی که در معادن کار میکنند، و کارگران در سطح سراسری باید به این جنایت آشکار در محیط های کار توسط سرمایه داران مفتخور اعتراض کنند. کارگران نفت که همینطور الان برای پیگیری مطالباتشان در اعتراضند باید نسبت به این موضوع واکنش اعتراضی نشان دهند. بویژه در فضای سیاسی و انقلابی امروز جامعه شکل دادن به اعتراضی سراسری در همبستگی با کارگران معدن طبس و علیه جنایت سیستماتیک در محیط های نا امن کار امکان پذیر است. و باید این کار را کرد. مساله دفاع از جان و زندگی انسانهاست. باید فوراً در تمام معادن و در همه محیط های کار کارگران جمع شوند و وضعیت ایمنی محیط کار خود را صورتجلسه کنند و نسبت به خطرات ایمنی محل کار اولتیماتوم دهند و اعلام کنند و بخواهند فوراً موارد خطر رفع شود. با کارگران معدن طبس اعلام همبستگی کنند و اعلام دادخواهی کنند. همانطور که گفتم مساله جان و زندگی انسانها در میان است و نباید لحظه ای غفلت کرد. و در عین حال همین اتفاق را باید با اعتراضات گسترده خود به یک هزینه سنگینی برای کارفرمایان و دولت تبدیل کنیم. اعتراضاتی که بتواند نقطه عطفی باشد برای پایان دادن به این جنایت در محیط های کار. به نظر من تمام دست اندرکاران، فعالین کارگری باید با این رویکرد به این اتفاق ناگوار برخورد کنند. و در بعد سراسری و در عین حال منطقه ای به این جنایت پاسخ اعتراضی درخوری داده شود.

میشم عتیق: متشکر شهبلا دانشفر که در این برنامه شرکت کردید.

خودشان زمان بخرند. این سیاست جمهوری اسلامی در قبال چنین فجایعی بوده است. و تازه وقتی صدای اعتراض کارگران و خانواده های کارگرانی که عزیزانشان را از دست داده اند بالا میگیرند با امنیتی کردن فضای اعتراض میکوشند با آن مقابله کنند. و با احضار کردن و اخطار دادن و انواع تهدیدات برخورد میکنند. از جمله اگر کسی خبری را بر ملا کند. آنرا بعنوان اقدامی امنیتی تلقی کرده و مورد تهدید قرار داده اند. و ما همه اینها را تجربه کرده ایم. الان در نفت نیز یکی از موضوعات اعتراض کارگران عدم ایمنی محیط های کار است. انفجارهایی که صورت میگیرد. حریق هایی که صورت میگیرد و حقیقتاً نفت مثل یک بمب انفجاری است. و الان یک مطالبه مهم کارگران نفت ایمنی محیط کار است

میشم عتیق: نکته جالبی را گفتید. از دادخواهی صحبت کردید. من را به یاد مورد متروپل آبادان انداخت. چون در واقع مساله عدم ایمنی ساختمانی بود. و در مقابل ادعاهای دروغین حکومت در همان روز اول مردم گفتند مساله سیاسی است و ما دادخواه خون کشته شدگان هستیم. در رابطه با همین مساله میخواهم صحبت کنیم. در واکنش به چنین فاجعه ای شما فکر میکنید که مردم ایران و بطور ویژه در خراسان جنوبی در طبس و همینطور کارگران و فعالین چه اقداماتی را می توانند در دستور کار خود قرار دهند؟ تاکیدات و راهکارهای شما در این زمینه چیست؟

شهبلا دانشفر: قیاس خوبی کردید. دقیقاً همینطور بود و بعد از فروپاشی ساختمان متروپل در آبادان دیدید که چگونه مردم در شهرهای مختلف خوزستان دست به اعتراض زدند. و دیدید که چگونه از شهرهای دیگر با این اعتراضات اعلام همبستگی



## مبارزه طبقاتی عقیده نیست، تپش دائمی تاریخ است (۲) - یاشار سهندی



نوشت: "آمپریستها نیز از "خاص به عام" حرکت میکنند، و بر مبنای مشاهدات خاص احکام عام صادر میکنند (و زیادی هم صادر میکنند). اما این با متد دیالکتیکی از زمین تا آسمان فاصله دارد. اساس حرکت در متدولوژی آمپریسم، نه فراتر رفتن از نمود پدیده ها

و مشاهدات و ادراکات حسی، بلکه ایجاد رابطه های اختیاری و ذهنی میان آنهاست. تکرار و همزمانی مشاهدات اساس متد آمپریستی است. آمپریسم نه در پی درک قوانین عینی حرکت و تکامل پدیده ها، بلکه در جستجوی توجیه این حرکت، از طریق برقرار ساختن «قوانینی» ذهنی در میان آنهاست.

چپ سنتی ایران بهیچوجه از این متد فاصله نگرفته است، حتی همه تجربه ۴۵ ساله گذشته به کمک او نیامده است که در بیانیه رسمی سازمانی و حزبی می نویسد: "... نبود یک آلترناتیو روشن متعلق به اعماق جامعه، یکی دیگر از مشکلات بسیار جدی پیش روی جنبش انقلابی ژیناست." این یعنی خود ایشان، خود را هیچ و پوچ میدانند و معلوم نیست فلسفه وجود سیاسی ایشان برای چیست وقتی خود را به عنوان "آلترناتیو روشن متعلق به اعماق جامعه" برسمیت نمی شناسند. و این دقیقا بدین خاطر است که "نه در پی درک قوانین عینی حرکت و تکامل پدیده ها"، بلکه در جستجوی توجیه این حرکت، از طریق برقرار ساختن «قوانینی» ذهنی در میان آنهاست. "در پی درک قوانین عینی حرکت جامعه نیستند، نه بقولی بخاطر عدم درک "مرکز عصبی ماتریالیسم تاریخی" بلکه بدین خاطر که اساسا ایده و افکار و عمل شان در خدمت جنبشی است که کمترین ربط را به "اعماق جامعه" دارد، جنبشی در حاشیه مبارزه طبقاتی؛ برای همین بیشتر خوش دارند در مقام عقل کل ظاهر شوند، نه سازماندهی یک حرکت اجتماعی معین.

"تعریف اینکه طبقات چیستند و چه چیزی مبارزه طبقاتی به شمار می آید، یکی از دلهره آورترین وظایف در نظریه ی مارکسیستی است..." (برداشت رابطه ای دانیل بن سعید از طبقه - ترجمه حسن مرتضوی) به یک معنا این حرف کاملا درست است! صحیح است برای کسانی که لازم دارند از یکی از سر راست ترین "نظریه ای مارکسیستی" آنرا پیچیده و دلهره آور نشان دهند تا شاید برای خود و محفل و سازمان و حزب مطبوع شان (اگر عضو تشکیلات خاصی باشند) شرح وظایفی مشخص کنند برای هیچ کاری انجام ندادن. طرف برای خود و سازمان مطبوعش کلی عرض و طول قائل است اما تو دوربین زل میزند و بر عجز و ناتوانی خویش اینگونه اعتراف میکند: "آلترناتیو در جامعه وجود دارد اما ما به عنوان یک سازمان سیاسی خیلی عقب هستیم و حالا حالاها باید کار کنیم تا به آن برسیم!" (نقل به مضمون)

### انقلاب دو مرحله ای، تزی برای همه اعصار

شاخصه چپ سنتی در عرصه دلهره آور مبارزه طبقاتی تز دو مرحله ای انقلاب است، که زمانی با عنوان "انقلاب دموکراتیک، انقلاب سوسیالیستی" معرفی میگردد. تزی که از شرایط خاص روسیه ابتدای قرن بیستم گرفته شده بود، که آزمون بورژوازی علیه فنودالیسم حرفی برای گفتن داشت؛ و همین تز برای خود انقلابیون مارکسیست روسیه موجبات انشقاق و دو دستگی مشهور به بلشویک و منشویک گردید.

منشویکهایی که باور داشتند نوبت طبقه کارگر فرا نرسیده است و بلشویکهایی که معتقد بودند تاریخ نوبتی نیست، که "هر چیز باید جریانش را طی کند و فردا هم روز

این یادداشت ادامه مطلبی است که با همین عنوان در شماره ۸۴۷ نشریه کارگر کمونیست منتشر شده است. در آنجا از قول منصور حکمت یادآور شدیم عنصر آگاهی شرط مبارزه طبقاتی نیست. و تاکید کردیم: "مبارزه طبقاتی امتیاز خاصی نیست که ما کمونیستها بخواهیم به بخشی از جامعه عطا کنیم." در این یادداشت هم با توجه به چند بیانیه مشترک سازمان راه کارگر و حزب کمونیست ایران به مناسبتهایی که ربط مستقیمی به انقلاب زن زندگی آزادی، البته ایشان آنرا به عنوان "خیزش انقلابی ژینا" برسمیت میشناسند، بار دیگر به موضوع کشمکش طبقاتی پرداخته میشود.

### متدی برای هیچی نبودن

برای چپ سنتی با وجود همه تحولات در نزدیک به نیم قرن اخیر در بر یک پاشنه میچرخد. هدف آنها مطهر نگه داشتن مبارزه طبقاتی، مقدس سازی آن تحت عناوینی مانند "پیکار برای نان" است. عرصه مقدسی که هر کسی توان وارد شدن به آنرا ندارد، و اینگونه خیلی راحت و سبکسرانه تمام تلاشهایی که برای آزادی و رهایی جامعه در همه ابعادش صورت میگیرد را عملا به حساب بورژوازی واریز میکنند. بورژوازی که با تمام توان خود سرکوب کننده همه آزادیخواهی و برابری طلبی است.

این دیدگاه با همه اهمیت یک واقعه عظیم اجتماعی، مانند انقلاب زن زندگی آزادی، سخت ابا دارد حتی شعار زن زندگی آزادی را بکار ببرد، به جز در مواردی که بخواهند "خشم زنانه علیه آپارتاید جنسیتی" برجسته کنند. همت شان بر این قرار گرفته است که "کمبودها و نقاط ضعف خیزش انقلابی ژینا" را برجسته کنند و نهایتا مشخص میشود همه ما گرفتار دور باطلی هستیم مگر اینکه، یک جایی، یک کسی "زمینه پیوند" یک مبارزه به یک مبارزه دیگر را کشف کند. تا شاید، شاید، شاید کسانی متوجه شوند "این جنبش برخاسته از اعماق جامعه، ثقل مبارزه را در میان مردم و در کشور تثبیت کرده است."

برای کسی که یک انقلاب برای اولین بار به اسم زنان شکل گرفته است و این حرکت سیاسی که عرصه ای مهم در مبارزه علیه سرمایه داری حاکم است به خشم زنانه تقلیل میابد، وقتی به خیال خود میخواهد به ستایش آن بنشیند در بیانیه یکسالگی "خیزش ژینا" نتیجه میشود درگیری فرهنگی: "اقدامات سرکوبگرانه رژیم و راه اندازی یک درگیری فرهنگی با بخش های گوناگون جامعه و بویژه علیه زنان کشور به عنوانی نیمی از جمعیت کشور، یک جنبش انفجاری علیه حاکمیت شکل داده است." و یکسال بعد، در بیانیه دومین سالگرد، درگیری فرهنگی به "انقلاب فرهنگی" ارتقا می یابد: "زنان شجاع به عنوان پیشگامان انقلاب کنونی، با سازماندهی مقاومت مدنی درخشان و سراسری، یک انقلاب فرهنگی عمیق در جامعه ایجاد کرده اند.... این انقلاب فرهنگی قدرتمند به تضعیف سنت های ارتجاعی مردسالارانه منجر شده و اعتقاد به جدائی دین از دولت و برابری حقوقی زنان و مردان در همه عرصه ها را به اعماق جامعه برده است." همه این مواردی که ایشان برشمردند در عالم واقع به عرصه سیاست، به انقلاب سیاسی، به عرصه مبارزه طبقاتی گره خورده است. سیاست طبقه حاکم که میخواهد سلطه خود را بر جامعه تحکیم سازد و طبقه محکوم که عزم جزم کرده زنجیرها بردگی را پاره کند.

یک زمانی منصور حکمت در نقد پوپولیسم حاکم بر "جنبش کمونیستی" وقت، در یکی از شاهکارهایش با عنوان "سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران"

تلگرام: @wpi\_tamas

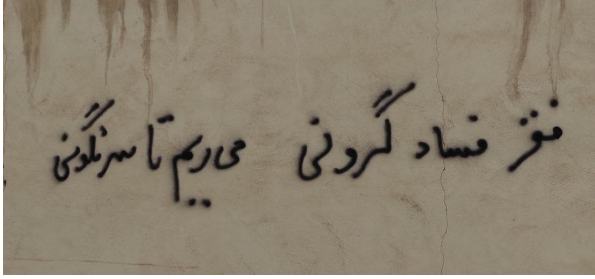
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

**به حزب کمونیست  
کارگری پیوندید!**

## مبارزه طبقاتی عقیده نیست، ...

از صفحه ۹



آزادپوشان، خانواده های دادخواه، جنبش اعتراضی جوانان برای یک زندگی معمولی و جنبش ملیت های تحت ستم برای رفع تبعیض های نهادینه شده، شاهد جنبش های مطالباتی و طبقاتی درخشانی هستیم." که "عملا یک چرخش به چپ طبقاتی را موجب شده است؛" چپ غیر طبقاتی را هر کسی شناسایی کرد به ما هم معرفی کند! چپ سنتی که در یکساله اول انقلاب زن زندگی آزادی کارش شده بود افشای "نوه رضا خان میرپنج"، و ترساندن مخاطب با هشدارهای مداومش که "آی بردندا"، "انقلاب ۵۷ تکرار نشود!" و "رژیم چنج" حرف اول و آخر را میزند، بعد از مدتی تجربه، با توجه کردن به "چپ طبقاتی" به این نتیجه رسیده است که خیزش انقلابی ژینا همه "الترناتیوهای بورژوازی و متکی به سیاست های امپریالیستی با الگوهای نشات گرفته از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را آچمز کرده و آنها را به تدریج به گوشه رینگ مبارزه طبقاتی رانده است. به زبان دیگر خواست های کنونی خیزش انقلابی ژینا، یک الترناتیو چپ اجتماعی را طلب می کند. "انسان خوشحال میشود بالاخره نور امیدی در انتهای تونل پیدا شده، اما به قول ژیک آن نور قطاری است که به سرعت پیش می آید! ایشان بلافاصله بعد از یادآوری قدرت چپ اجتماعی، آب پاکی روی دست مخاطبان می ریزند: "اما مشکل اساسی در اینجاست که یک الگوی روشن از الترناتیو چپ مدرن، امروزی و متکی به مردم، دموکراسی خواه و برابری طلب، متعهد به آزادی عقیده و بیان بی حصر و استثناء و خواهان گسترش دموکراسی به عرصه اقتصاد، هنوز ارائه و تجربه نشده است." هیچی دیگه، بدبخت شدیم رفت!

اما نه هنوز کور سوی امیدی است: "قانون اساسی شیلی" این "الگوی درخشانی" که نتوانسته رای مردم شیلی را جلب کند، اما ما میتوانیم "از چنین الگوهایی می توانیم الهام بگیریم.... چپ باید در نبرد دموکراسی راه پیشروی و پیروزی را بجوید. (چشم، حتما!) طبقه کارگر در معنای وسیع آن، ... برای این که بتواند جامعه را فتح بکند (قدرت سیاسی نه، بلکه جامعه!) باید توانائی زیستن و بالیدن در فضای دموکراتیک را بدست آورد، (انقلاب دموکراتیک سابق) خود را متشکل سازد و با متحد کردن اکثریت جامعه، پرچم انقلاب اجتماعی (انقلاب سوسیالیستی پیش از این!) را در دست بگیرد. اما نباید زیاد امیدوار شد چون "نبرد یک الترناتیو روشن متعلق به اعماق جامعه، یکی دیگر از مشکلات بسیار جدی پیش روی جنبش انقلابی ژیناست." برای کسی که در تز دو مرحله ای انقلاب گرفتار شده است نمی تواند هم "الترناتیو روشن متعلق به اعماق جامعه" را ببیند و درک کند.

### مبارزه طبقاتی و انقلاب

بقول منصور حکمت در این جامعه سر هر چیزی دعواست، و یک طرف دعوا سرمایه داری است که بر تمام شئون زندگی حاکم شده است. برای کسی که مدعی مارکسیسم است و خود را کمونیست مارکسی خطاب میکند حتما یک جایی خوانده است که مناسبات حاکم نتیجه شیوه تولیدی حاکم است و در زمانه ما انعکاس شیوه تولید سرمایه داری است، که با تسلط سرمایه داری، کشمکش طبقاتی به پیکار برای نان خلاصه نمی شود بلکه هر چیزی را در برمیگیرد که انسان امروز از آن رنج میبرد.

خداست، ایشان سخت باور داشتند "شکم امروز را نمی شود با نان فردا سیر کرد"، و باور داشتند وقتی فرصت است قدرت را گرفت، جای دست دست کردن نیست و باید گرفت؛ انقلاب دموکراتیک را هم طبقه کارگر به رهبری کمونیستها به سرانجام قطعی خود میرساند. و بر همین اساس "تزه های آوریل" لنین تاریخ ساز شد. تزه های که در پی "پیوند زدن" دو مرحله از انقلاب نبود، بلکه لنین تاکید داشت که انقلاب "بدست بورژوازی افتاده است"، و بورژوازی نشان داده است که نمی تواند و نمی خواهد معضلاتی که جامعه روسیه در ابتدای قرن بیستم از آن رنج میرید و سبب انقلاب شده است را حل کند، بلکه برعکس در پی تداوم آن در شکل و شمایل بورژوایی است و باید "انتقال انقلاب" به مرحله دوم صورت پذیرد، یعنی "قدرت حاکمه بدست پرولتاریا و قشرهای تهیدست دهقانان بیفتند."

اما تر "انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی" در ایران، انعکاس دهنده بخش چپ ناراضی بورژوازی در ایران بوده، که در آن مراحل تاریخی توجیهی است برای در حاشیه بودن، که گویا بورژوازی در وجه دموکراتیک آن در ایران دست از استبداد برداشته، زنان به رهایی رسیده اند، آزادیهای سیاسی برقرار است، سانسور وجود ندارد و ... و تشکلات کارگری شکل میگیرند، و اینگونه "پیکار برای آزادی"، انقلاب دموکراتیک به سرانجام رسیده به وقتی که جز طبقه کارگر که خلاصه میشود به کارگران صنعتی که از این شرایط راضی نیست، تضاد طبقاتی اصلی بین کار و سرمایه با خلوص بالا ایجاد میشود و "پیکار برای نان"، مرحله انقلاب سوسیالیستی شکل میگیرد. در هیچکدام از این دو مرحله، طبقه کارگر حضور ندارد، مرحله اول که عرصه مبارزه دموکراتیک است، اساسا مسئله او نباید باشد و برای مرحله دوم هم او در حال آموزش است و کسب "آگاهی طبقاتی" است تا روز موعود "حزبش را از درون خودش بسازد"، تازه شاید آنوقت برای کسب قدرت سیاسی خیز بردارد. بزرگ نمیر بهار میاد...!

بعد از ۴۵ سال تجربه سخت هولناک و پر هزینه که نتیجه سرکوب انقلاب ۵۷ توسط رژیم اسلامی سرمایه بوده؛ با وجود حاکمیت یک سرمایه داری غارتگر مافیایی، نظام سرمایه داری در تمامی تاروپود جامعه ایران گسترده شده است، که در نتیجه مبارزه برای هر خواسته ای انعکاسی از تضاد کار و سرمایه، تضاد یک درصدیها با نود و نه درصدیها در جامعه است. اما چپ سنتی همین الانش هم به مانند انقلاب ۵۷ در پی "ایران آزاد، آباد، دموکراتیک" است و معتقد است "خیزش انقلابی ژینا"، خیزشی است که .. می خواهد استبداد حاکم و هر نوع تلاش استبدادی را از میان بردارد و آزادی های گسترده را نهادینه کند، عدالت و برابری را پایه ریزی نماید، از استقلال ایران دفاع کند و سیاست موازنه مثبت را خط راهنمای سیاست خارجی خود قرار دهد."

انقلاب دو مرحله ای، اکنون با عنوان "پیکار برای آزادی و پیکار برای نان" فرموله میشود: "در متن انقلاب ژینا... زمینه پیوند «پیکار برای آزادی» و «پیکار برای نان» فراهم می آید."، "خیزش انقلابی ژینا، پیکار برای آزادی و پیکار برای نان را به هم گره زده است." این دو مرحله عناوین دیگری هم دارد: "خواست های فرهنگی و خواست های طبقاتی"، "انقلاب فرهنگی" در مقابل "انقلاب اجتماعی ریشه دار"، "مبارزات مدنی - فرهنگی و اقتصادی - طبقاتی" که با "افزایش بار طبقاتی"، "امروز در کنار جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان،

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



چپاول، و به سرکوب و زندان است. بازنشستگان با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" صدای اعتراض همه مردم هستند.

اعتراضات در میان بخش های مختلف کارگران و مردم گسترده است. در این روز کارگران شاغل در مخابرات منطقه آذربایجان شرقی نیز در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه و مطالبات معوقه و پاسخ نگرفته دست به تجمع زدند. همچنین راهداران شاهرود و میامی در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و با مطالبه اجرای چارت راهداری و حمل و نقل و بهبود شرایط کاری شان برای پنجمین روز متوالی تجمع کردند. تجمع دیگر از سوی معلولان بود که بخاطر شرایط بد معیشتی، و درمانی خود مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

## تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و دیگر اخبار اعتراضی

امروز یکم مهرماه بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع داشتند. بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، تهران، اهواز، کرمانشاه، و بازنشستگان معدن و فولاد در اصفهان، اهواز و البرز مرکزی تجمع داشتند.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "دولت سرسپرده، گرونی رو آورده!"، "نه مجلس نه دولت نیستند بفکر ملت"، "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست"، "بیکاری، تورم، بلای جان مردم"، "اسماعیل گرامی، آزاد باید گردد"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "کشور پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "مشکل ما حل نشه، یکشنبه ها می آیم"، "نه سرما، نه گرما، نیست جلودار ما"، و "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته".

بازنشستگان در شوش مثل همیشه از کرخه و شوش و هفت تپه جمع شده بودند و با فریاد شعارهای اعتراضی شان و سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" اعتراض خود را علیه توحش و بردگی حاکم اعلام داشتند.

در این اعتراضات بازنشستگان معدن و فولاد با شعارهای "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن" پیگیری مطالباتشان شدند. در اصفهان بازنشستگان فولاد با فریاد "معدنکاران طبس، تسلیت تسلیت" خشم و نفرت خود را نسبت به انفجار و فاجعه انسانی در معدن طبس که بنا بر اخبار تا کنونی جان ۵۱ کارگر را گرفته، اعلام کردند.

اعتراض بازنشستگان به فقر، تورم و گرانی، به دستمزدهای ناچیز و بساط فساد، و

## تجمع اعتراضی کارگران در پتروشیمی ماهشهر و کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی ارغون گستر در ایلام

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت امروز یکم مهرماه کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر و کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی ارغون گستر در ایلام در ادامه تجمعات اعتراضی قبلی خود برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. کارگران پتروشیمی ارغون گستر به اخراجها و عدم تمدید قراردادهای کاری خود اعتراض دارند.

اعتراض شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، عدم پرداخت پتروکارت، کسر مبالغ پاداش های بهره وری، مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت طلبهانشان بابت اضافه کاریها، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، و عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو است.



اعتراضات در بخش های مختلف نفت گسترده است. از مبارزات کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱ مهر ۱۴۰۳، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

## مبارزه طبقاتی عقیده نیست، ...

از صفحه ۱۰

بخصوص در زمان ما که سرمایه داری نفس زندگی انسانی را زیر سوال برده است. انقلاب نقطه اوج مبارزه طبقاتی است. انقلاب زن زندگی آزادی یکی از دقایق تاریخی این کشمکش است. یک طرف این کشمکش سرمایه داری است و یک طرف دیگر آن طبقه کارگر. پیکار برای آزادی و پیکار برای نان دو عرصه متفاوت برای کسی علیه شیوه تولید سرمایه داری مبارزه میکند نیست. این را جامعه خیلی خلاصه و روشن در کف خیابان فریاد زده که: منزلت و معیشت حق مسلم ماست. این به زبان خیلی روشن یعنی سوسیالیسم، انقلاب زن زندگی آزادی بر همچنین بستری شکل گرفته است، بر بستر کشمکش طبقاتی میان کار و سرمایه.

اگر واقعا معتقدیم آلترناتیو روشن متعلق به اعماق جامعه وجود دارد، این آلترناتیو پاسخی است به همه مصائبی که سرمایه داری آفریده است و مبارزه برای هر چیزی، دعوا بر سر هر چیزی گوشه ای از کشمکش طبقاتی است.

کشمکش طبقاتی یک مبارزه مقدس و سلحشورانه نیست، یک باور، یک عقیده نیست، تنها تزی برای توضیح تاریخ بشر نیست، بلکه عرصه زمینی و واقعی مبارزه علیه سرمایه داری است. که احزاب و سازمانهای جدی کمونیستی، انعکاسی از آن آلترناتیو روشن متعلق به اعماق جامعه است. همه آزادی و برابری مسئله کمونیستهاست. کمونیستها برای مسایل بورژوازی در یک انقلاب مشارکت نمی کنند،



## کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" - شهلا دانشفر

همزمان با دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی کارزاری تحت عنوان "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" بازتاب گسترده‌ای یافته است. در این کارزار زنان از شهرهای مختلف تصاویر بی‌حجاب خود را در شبکه ایکس و در دیگر مدیای اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. شکل نوینی از مبارزه در ادامه جنگی بی‌امان علیه حجاب و کل بساط آپارتاید جنسی حکومت که پیام روشنش به جمهوری اسلامی اعلام فتح کامل خاکریز حجاب در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی است.

اقدامی رزمنده و یادآور روزهای تاریخی آغازین فوران انقلاب زن زندگی آزادی بدنبال درگذشت مهسا امینی (ژینا) این نماد انقلاب که بخاطر حجاب بدست جانانان اسلامی به قتل رسید. روزهایی فراموش نشدنی که در آن زنان در حلقه حمایت مردمی حجاب آتش زدند و با فریاد زن زندگی آزادی انقلابی زنانه را رقم زدند. همان فریادی که همین روزها در دومین سالگرد انقلاب از بند زنان اوین بلند شد و زندانیان شجاع با آتش زدن حجاب‌ها سرود آزادیخواهی سر دادند.

کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" با استقبال وسیعی روبرو شده و سرعت بر شمار شرکت‌کنندگان افزوده می‌شود و این نشانی دیگر از عزم راسخ مردم برای تداوم انقلاب تا پیروزی است.

جمهوری اسلامی تلاش بسیاری کرد تا خاکریز فتح شده حجاب، این دستاورد مهم انقلاب نوین را بازپس بگیرد. آرمیتا گراوند نیز نوجوان شجاعی بود که قربانی این جنگ

نابرابر شد. جنگ حکومت با زنان بر سر حجاب جنگی علیه کل جامعه است و مردم در برابر آن ایستاده‌اند. از جمله بازنشستگان با شعار "حجاب - حجاب شعارشون دزدی و غارت کارشون" در دفاع از زنان و علیه آپارتاید جنسی برخواستند و پاسخ محکمی به سرکوبگری‌های حکومت دادند.

این چنین است که جنگی بی‌امان بر سر حجاب و علیه کل بساط آپارتاید جنسی حاکم در جامعه جاریست که بطور واقعی بازنده‌اش جمهوری اسلامی است. تا جاییکه از سوی نهادهای بین‌المللی آپارتاید جنسی جنایت علیه بشریت نام گرفت. فضا و چهره خیابان‌ها با کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر"، با حضور زنان بی‌حجاب بیشتر دگرگون می‌شود و نشانه ایستادگی جانانه مردم در برابر حکومت اسلامی است. پیوستن وسیع‌تر و گسترده‌تر به کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" قدمی مهم در تقویت انقلاب زن زندگی آزادی است. (مندرج در ژورنال شماره ۸۴۰)



## کارزار "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر"

در روزهای اخیر و همزمان با دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی کارزاری تحت عنوان "من یک نفرم، یکی از بیشمار زنان شهر" توسط زنان بسیاری با انتشار عکسهای بی‌حجابشان در شبکه ایکس به جریان افتاده و در حال گسترش است. کارزاری در ادامه جنگ هر روزه زنان علیه حجاب و کل بساط آپارتاید جنسی حاکم که تداوم انقلاب را فریاد می‌زند.

در شهریور ۱۴۰۱ بدنبال قتل حکومتی مهسا امینی (ژینا) بخاطر حجاب، خشم و نفرت انباشته شده مردم از بیش از چهار سال حاکمیت حکومت آپارتاید جنایتکار جنسی حاکم فوران پیدا کرد و زنان با حجاب سوزان و سر دست چرخاندن حجاب در میان رقص و شادی زن و مرد، فریاد زن زندگی آزادی را سر دادند و انقلابی فراگیر و گسترده شکل گرفت که دنیا را تکان داد. امروز در دومین سالگرد این انقلاب زنان شجاع در کنار بی‌حجابی گسترده اجتماعی در خیابانها، با این کارزار صحنه دیگری از تقابل با حکومت منفور ضد زن را رقم می‌زنند و عزم راسخ خود را برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی اعلام میکنند.

تا هم اکنون زنان بسیاری به این کارزار پیوسته و تصویر بی‌حجاب خود را در مدیای اجتماعی به اشتراک گذاشته‌اند و هر لحظه بر شمار شرکت‌کنندگان آن اضافه می‌شود. این کارزار بازتاب گسترده‌ای داشته و به خبری داغ در رسانه‌ها تبدیل شده است. از جمله کانون مدافعان حقوق بشر با اشاره به این کارزار شجاعت، قدرت و مقاومت دختران و زنان در ایران را ستوده و اقدام آنان را در برابر ظلم و سرکوب، مثال زدنی و الهام بخش خوانده است.

جمهوری اسلامی دو سال است که تلاش میکند حجاب این خاکریز فتح شده انقلاب زن زندگی آزادی را بازپس بگیرد. آرمیتا گراوند دختر نوجوان قهرمانی که حاضر نشد به حجاب تن دهد یک قربانی این جنگ نابرابر بود و قتلش توسط

مزدوران حکومت خشم میلیون‌ها مردم را صد چندان کرد. امروز با نگاهی به چهره جامعه شکست محتوم حکومت را میتوان به روشنی مشاهده کرد. عظمت این جدال آنچنان بود که در سطح بین‌المللی آپارتاید جنسی جنایت علیه بشریت خوانده شده و دور نیست روزی که سران حکومت آپارتاید جنسی به محاکمه کشیده شوند.

حزب کمونیست کارگری به همه زنان شجاعی که با چنین کارزارهایی همچنان پیش قراولان انقلاب زن زندگی آزادی هستند درود می‌فرستد. حزب همه زنان و دختران را به پیوستن به این کارزار فرا می‌خواند و همه مردم را به حمایت و بازتاب وسیع و جهانی آن فراخوان می‌دهند. پیوستن به این کارزار تقویت‌کننده صف انقلاب زن زندگی آزادی است. سراسری به این کارزار پیوندیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ شهریور ۱۴۰۳، ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۴



کاری، حق تعطیلات، اضافه کاری، و عدم تعیین تکلیف احکام رسمی آزمایشی، فوق‌العاده ویژه و کمبود نیرو در ایستگاه‌ها تجمع کردن. افزایش حقوقها، امنیت شغلی و ایمنی محیط کارشان مطالبات کلیدی این کارگران است.

#### شنبه ۳۱ شهریور:

- نشت گاز حوالی ساعت ۲۱ شب در یکی از کارگاه‌های شرکت زغال سنگ معدنچو در طبس موجب انفجار شد. در این فاجعه تکانه‌دهنده ۵۱ کارگر جان خود را از دست دادند و ۲۲ نفر مصدوم شدند. درگذشت این عزیزان را که قربانیان سودجویی های سرمایه داران مفتخور هستند به خانواده هایشان و به همگان تسلیت می‌گوییم.

#### جمعه ۳۰ شهریور:

- صبح امروز جمعی از معلمان، فعالان صنفی، فعالان کارگری، فعالان حقوق زنان، روزنامه نگاران، فعالان دانشجویی، فعالان زندانیان سیاسی، وکلا و فعالان مدنی، با حضور در منزل رسول بدایقی که از زندان به مرخصی آمده است، مبارزات وی را ارج گذاشتند. رسول بدایقی که از اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ در زندان اوین می باشد، هفته گذشته بعد از نزدیک به دو سال ونیم حبس، برای حضور در مراسم عروسی دخترش، به مرخصی هفت روزه آمده است. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن درج این خبر بر آزادی بی قید و شرط رسول بدایقی و سایر زندانیان سیاسی تاکید کرده است.

#### پنجشنبه ۲۹ شهریور:

- یک هفته پس از آغاز اعتراضات کارگران لاستیک بارز در کرمان اعتراضات این کارگران موقتا پایان یافت. کارگران لاستیک بارز به پایین بودن حقوق و کسر مالیات از دریافتی‌های ناچیز، عدم افزایش مزایای شغلی از جمله حق شیفت، حق خوار و بار، حق مسکن و حق مسئولیت و عدم در نظر گرفتن حق رفت و آمد، معترض هستند. طبق گزارشات در جریان این تجمعات و اعتصابات چند کارگر معترض بازداشت شده اند و کارگران خواستار آزادی همکاران خود و پیگیری مطالباتشان هستند.

#### چهارشنبه ۲۸ شهریور

- کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر برای دومین روز پیاپی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران نسبت به عدم تحقق وعده‌های مدیریت و بی پاسخ ماندن مطالبات خود اعتراض دارند.

#### سه شنبه ۲۷ شهریور

- در پی واژگونی و دچار حریق شدن یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵، حدفاصل روستای "ده رضا" واقع در شهرستان عنبرآباد، سه سوختبر از جمله دو نوجوان جان خود را در شعله‌های آتش از دست دادند. بدینگونه جاده های نا امن و کار خطرناک سوختبری که همواره تحت پیگرد مزدوران حکومت قرار دارند. بازهم قربانی گرفت. جانباختن این عزیزان را به خانواده هایشان تسلیت می‌گوییم. هويت این سه سوختبر،

## کارگران در هفته ای که گذشت

### تنظیم کننده کارگر کمونیست

#### دوشنبه ۲ مهر:

-بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در شهرهایی همچون کرمانشاه، اهواز، تهران، سنندج، اردبیل، رشت، مریوان، بروجرد و قائمشهر تجمع کردند.

-اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد پنجمین روز شد

-کارگران رسمی نفت در ادامه اعتراضاتشان در مراکز چون مجتمع گاز پارس جنوبی منطقه عسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لوان بوشهر، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوهای ۴۰گانه‌ی POGC و در سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری برپا شدند.

#### یکشنبه ۱ مهر:

-بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع داشتند. بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، تهران، اهواز، کرمانشاه، تجمع کرده و با فریاد اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد پیگیری مطالباتشان شدند.

-بازنشستگان معدن و فولاد در اصفهان، اهواز و البرز مرکزی با شعارهای فولاد داد بزن حق تو فریاد بزن پیگیری مطالباتشان شدند. در اصفهان بازنشستگان فولاد با فریاد "معدنکاران طبس، تسلیت تسلیت" خشم و نفرت خود را نسبت به فاجعه انسانی در معدن طبس که بنا بر اخبار تاکنونی ۵۱ قربانی داشته است، اعلام کردند.

- کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در ادامه اعتراضات هفته گذشته خود دست به تجمع زدند. اعتراض این کارگران به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، عدم پرداخت پروکار، کسر مبالغ پاداش‌های بهره وری، مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت طلبهایشان بابت اضافه کاریها، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، و عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو است.

- کارگران اخراجی شرکت پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در ادامه تجمعات اعتراضی قبلی خود برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. کارگران پتروشیمی ارغوان گستر به اخراجها و عدم تمدید قراردادهای کاری خود اعتراض دارند.

- کارگران شاغل در مخابرات منطقه آذربایجان شرقی در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه و مطالبات معوقه و پاسخ نگرفته دست به تجمع زدند.

- راهداران شاهرود و میامی در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و با مطالبه اجرای چارت راهداری و حمل و نقل و بهبود شرایط کاری شان برای پنجمین روز متوالی تجمع کردند.

- معلولان در تهران بخاطر شرایط بد معیشتی، و درمانی خود مقابل سازمان برنامه و بودجه و در مشهد در مقابل بهزیستی خراسان دست به تجمع زدند.

-بازنشستگان #زغال\_سنگ کرمان در اعتراض به سطح نازل معیشت و درمان دست به تجمع زدند.

- آتش نشانان در قم در اعتراض به عدم بالا بردن سطح کاری آتش نشانان از متصدی به کارشناس، اجرای صحیح چارت سازمانی و پرداخت نشدن فوق‌العاده نوبت

## هفتمین سه شبه اعتراضی کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای مختلف گاز و پارس جنوبی و تجمع اعتراضی کارگران رسمی در پالایشگاه گاز پارسین لامرد



مطالبات مهم کارگران رسمی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ شهریور ۱۴۰۳، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴

امروز ۲۷ شهریور هفتمین هفته از سه شبه های اعتراضی کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری در پالایشگاههای مختلف مجتمع گاز پارس جنوبی بود. در این روز کارگران رسمی در پالایشگاه گاز پارسین لامرد از استان فارس نیز به این حرکت اعتراضی پیوستند.

اهم مطالبات کارگران ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی عبارتند از: - حق شکل، تجمع و اعتراض، حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، بازگشت به کار فوری و بی قید و شرط کارگران اخراجی، حجت رضایی از پارس جنوبی، یاسر احمدی نژاد و هرمزی از ملی حفاری و پایان دادن به برخورد امنیتی با کارگران معترض، اجرای توافقات قبلی علی‌الخصوص موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به صورت یکجانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع گاز تغییراتی در آن صورت گرفته است، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و همتراز با کارگران رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، رسیدگی فوری به تخلفات و زد و بند بیمه البرز. (با وجود چند ماه قرارداد بیمه البرز با وزارت نفت، پیمانکاران حق بیمه تکمیلی را از مزد کارگران کسر میکنند اما بیمه هزینه های درمانی را پرداخت نمیکند)، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان، و اجرای بدون تبعیض طرح ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

### کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۳

"رسول قنبری"، ۱۵ ساله و "عیسی قنبری"، ۲۳ ساله، هر دو فرزند بجار، اهل روستای چهل کنار از توابع شهرستان دلگان و "امیدرضا قنبری" حدوداً ۱۷ ساله، فرزند میرزا و اهل شهرستان عنبرآباد عنوان شده است.

- کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای مختلف در مجتمع گاز پارس جنوبی استان بوشهر برای هفتمین هفته متوالی جهت پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. در این روز کارگران پالایشگاه گاز پارسین واقع در استان فارس نیز برای اولین بار به اعتصاب پیوستند.

- جمع کثیری از صاحبان مراکز توانبخشی سراسر کشور در اعتراض به عدم اجرای مصوبه افزایش ۴۰ درصدی یارانه مراکز غیردولتی موضوع ماده ۷ قانون در حمایت از حقوق معلولان و عدم پرداخت مابه‌التفاوت ۶ ماهه آن، مقابل سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع اعتراضی زدند.

دوشنبه ۲۶ شهریور:

- جمعیت بزرگی از معلمان بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. این معلمان در اعتراض به اجرایی نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت و خلف وعده های داده شده برای چندین بار است که در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع می کنند و پیگیر مطالباتشان می شوند. این معلمان برای ۲۷ شهریور نیز تجمع خواهند داشت. در این روز بازنشستگان مخابرات نیز برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای چون تبریز، اصفهان، مریوان، سنندج، اهواز، بیجار تجمع داشتند.

- کارگران رسمی شرکت پالایش گاز فجر جم در بوشهر و نفت و گاز پارس عسلویه، در اعتراض به قراردادهای و کسورات خود تجمع برگزار کردند.

### دومین روز تجمع اعتراضی کارگران در پتروشیمی ماهشهر و اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت

اعتراضات در نفت هر روز گسترده تر میشود. امروز ۲۷ شهریور کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای دومین روز تجمع و اعتراض کردند. اعتراض این کارگران به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکت‌های همجوار، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، عدم پرداخت پتروکارت، کسر مبالغ پاداش‌های بهره وری، مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت طلبهایشان بابت اضافه کاریها، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، و عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو است.

روز گذشته اعتراضات بسیاری از سوی کارگران رسمی نفت در مراکز مختلف نفت و گاز جریان یافت. از جمله علاوه بر مراکزی که روز گذشته گزارش کردیم، این کارگران در شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس جنوبی سایت یک، و شرکت نفت و گاز پارس کنگان سایت دو و در سکوهایی چهار گانه نفتی، برای پیگیری مطالبات خود تجمع داشتند. در این اعتراضات کارگران با راهپیمایی و شعار "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

اهم مطالبات کارگران رسمی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی آن و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده. از مبارزات کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ شهریور ۱۴۰۳، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴



برابر دفتر این شرکت، در اعتراض به وضعیت شغلی، اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت نشدن بستانکاری ها و پایمال شدن حقوق خود، تجمع کردند.

#### سه شنبه ۲۷ شهریور

- اعتراضات کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر وارد دومین روز خود شد.

- زنی در اندیمشک از توابع استان خوزستان به نام روناک توسلی‌پور، با شلیک گلوله توسط "خواستگارش" به نام علی شجاعی به قتل رسید. متهم پس از ارتکاب جرم فراری شده است. قتل‌های این چینی در کنار قتل‌های ناموسی توسط همسر، پدر و مردان خانواده مظاهری از افزایش خشونت و جنایت سیستماتیک در سیستم آپارتاید جنسیتی حکومت اسلامی است. انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی علیه ستم، خشونت و هرگونه تبعیض جنسی علیه زن و برای پایان دادن به بساط آپارتاید جنسی حاکم و جنایت علیه زنان و کل جامعه است.

#### دوشنبه ۲۶ شهریور

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های هر هفته علیه فقر، تبعیض، نابرابری، و بساط چپاول و تبعیضات و سرکوبگری‌های حکومت و برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی از جمله در اهواز تجمع کردند.

- روز ۲۶ شهریور کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به خواسته‌های پاسخ نگرفته خود تجمع کردند. اعتراض این کارگران به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، عدم پرداخت پتروکارت، کسر مبالغ پاداش‌های بهره‌وری، مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت طلب‌هایشان بابت اضافه‌کارها، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، و عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو است.

#### یکشنبه ۲۵ شهریور

- همزمان با سالروز انقلاب زن زندگی آزادی بازنشستگان تامین اجتماعی بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در شهرهای مختلف از جمله در اهواز تجمع کردند و با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" علیه سیستم چپاول و فساد حاکم شعار دادند. درمان رایگان، فقط کف خیابان بدست میاد حقمون، معیشت منزلت حق مسلم ماست، شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، بر بنرهای این تجمع به چشم می خورد. بازنشستگان شعار میدادند: فقط کف خیابان بدست میاد حقمان، پرستار سلامت، حمایت می کنیم، اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد، و بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد

## از خوزستان خبر میرسد؟

۲۳ تا ۳۰ شهریور ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۳۰ شهریور

- علیرغم گذشت بیش از سی روز از بازداشت محمد طهماسبی، شهروند بازداشتی خبری از او نیست و بی‌خبری از وی موجب نگرانی‌های خانواده و نزدیکانش شده است. بنا بر خبری او در مرداد ماه سال جاری در ارومیه دستگیر شد و به زندان شیپان اهواز منتقل گردید. سپس آزادی موقت وی توسط دادگاه اهواز صادر شد، اما او را بدون اطلاع قبلی از قرنطینه زندان خارج کردند و پس از گذشت بیش از دو هفته، محمد طهماسبی تلفنی با خانواده از انتقالش به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز خبر داد و درخواست نمود تا داروهایش را به این نهاد تحویل دهند. اما پس از مراجعه خانواده به آنها اعلام شد که محمد در آنجا حضور ندارد. علیرغم پیگیری‌های خانواده، مراجع قضایی و امنیتی و مسئولین مربوطه، از ارائه پاسخی روشن در خصوص محل نگهداری و وضعیت محمد طهماسبی خودداری میکنند. محمد طهماسبی به بیماری چسبندگی روده مبتلاست و نیازمند درمان است. اکنون بی‌خبری از وضعیت او نگرانی‌های خانواده و بستگانش را دوچندان کرده است. تاکنون از دلایل دستگیری محمد طهماسبی جوان ۳۲ ساله اهل شهرستان ایذه اطلاعی در دست نیست.

- محرومیت از دارو سیاستی جنایتکارانه از سوی حکومت اسلامی علیه زندانیان سیاسی و قتل خاموش آنهاست. بنا بر آخرین خبرها فارس رماحی، زندانی سیاسی محبوس در زندان شیپان اهواز از دارو و درمان محروم است. علیرضا مرداسی، معلم و متهم سیاسی، ۴۱۵ روز است که با حال نامساعد جسمانی در زندان شیپان اهواز در بازداشت و بلا تکلیفی به سر می‌برد. او با اتهاماتی از جمله فساد فی‌الارض و عضویت در گروه باغی، تاکنون دادگاهی نداشته و نزدیک به ۱۵ ماه است که در زندان است. مرداسی در دهم مردادماه ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در اهواز بازداشت شد. او معلمی چهل ساله است و بیش از بیست سال سابقه تدریس در مقطع ابتدایی دارد. مرداسی از بیماری ریوی رنج میبرد و از درمان و دارو محروم است.

#### پنجشنبه ۲۹ شهریور

- بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در ادامه اعتراضات هفتگی خود در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود برای یکشنبه یکم مهرماه فراخوان به تجمع اعتراضی دادند.

- بنا به گزارشات منتشر شده در این روز، هومن صیدالی زندانی سیاسی بیست و یک ماه است که در زندان شیپان اهواز بسر میبرد. او در شعبه دوم دادگاه انقلاب اهواز از بابت اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام در ابتدای سال جاری محاکمه شد. اما همچنان بلا تکلیف در زندان است. عضویت در احزاب حق مسلم همه مردم است. پرونده امنیتی او باید فوراً مسدود و بدون قید و شرط آزاد شود.

#### چهارشنبه ۲۸ شهریور

کارگران پیمانکاری شرکت «پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی» برای سومین روز پیاپی در



کارگران تاکید کردند. در اهواز بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند.

بازنشستگان مخابرات علاوه به عدم اجرای آیین نامه سال ۸۹ که اندک بهبودی در وضعیت حقوقی شان ایجاد میکند و نیز عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی شان از بیست درصد به پنجاه درصد اعتراض دارند. دو نهاد دزد "بنیاد تعاون" و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده بالای حکومت تا بیت خامنه ای هستند، سهامداران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۶ شهریور ۱۴۰۳، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

## تجمع معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ و بازنشستگان مخابرات شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

امروز بیست و ششم شهریور جمعیت بزرگی از معلمان بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. این معلمان در اعتراض به اجرایی نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت و خلف وعده های داده شده برای چندین بار است که در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع می کنند و پیگیر مطالباتشان می شوند. اعتراض این بازنشستگان همچون بخش های دیگر بازنشستگان به فقر و تبعیض و سطح نازل حقوقها و به بساط فساد و چپاولگریها و سرکوبگری های حکومت است. یک خواست همه بازنشستگان درمان رایگان است.

در این روز بازنشستگان مخابرات نیز همچون دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، اصفهان، مریوان، سنندج، اهواز، بیجار و... برگزار شدند.

در تبریز بازنشستگان با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بر اتحاد طبقاتی

## ۲ مهر: ادامه اعتراضات گسترده کارگران نفت

### پنجمین روز تجمعات اعتراضی در پتروشیمی ماهشهر، و ادامه اعتراضات کارگران رسمی مراکز مختلف



امروز دوم مهرماه اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد پنجمین روز شد. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر شاغل در این شرکت کار اصلی بارگیری موادشیمیایی از مخازن کشتی ها در اسکله را انجام میدهند. خواستهای اعلام شده آنها عبارتند از: اجرای تبدیل وضعیت شغلی آنان مطابق با شرکتهای همجوار، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کارگران پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، پرداخت کسورات پاداش های بهره وری به همراه معوقات سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آنها بابت اضافه کاری ها. این کارگران همچنین خواستار پرداخت مطالبات بیمه ای خود هستند که در برخی ماه های سال به موقع پرداخت نمی شود.

بنا بر گزارشات منتشر شده در این روز همچنین کارگران رسمی نفت در مراکز مختلفی تجمع داشتند و اعتراض خود را به تعرضات معیشتی حکومت اعلام داشتند. این اعتراضات از جمله در مراکز چون مجتمع گاز پارس جنوبی منطقه عسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان بوشهر، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوهای ۴۰ گانه ی-POGC و در سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری برپا شدند. خواستهای فوری اعلام شده کارگران رسمی نفت عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده.

اعتراضات در بخش های مختلف صنعت نفت این مرکز کلیدی کارگری گسترده است. از مبارزات این کارگران حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

از صفحه ۱۵

## از خوزستان چه خبر؟ ...

بزن.

- مطالبات بازنشستگان سراسری است. در اهواز بازنشستگان فولاد شعار میدادند: تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، و "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون". شنبه ۲۴ شهریور

- کارگران رسمی عملیاتی مناطق نفتخیز و ملی حفاری در اعتراض به کسورات حقوقی و مزایای سکو، دست به تجمع اعتراضی زدند. جمعه ۲۳ شهریور

- بنا به گزارشی منتشر شده در این روز مختار البوشوکه، زندانی سیاسی در زندان شیپان اهواز از درمان محروم است. محرومیت زندانیان سیاسی از درمان بخشی از شکنجه های جنایتکارانه حکومت علیه زندانیان است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۳۰ شهریور ۱۴۰۳، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴.



## بیانیه مشترک شبکه‌ها، پویش‌ها و کارزارهای دادخواهی در دومین سالروز شروع انقلاب زن زندگی آزادی

همزمان با دومین سالروز جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی که با پیشگامی زنان ایران در اعتراض به قتل حکومتی مهسا ژینا امینی توسط پلیس امنیت اخلاقی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید، و در پاسخ به فراخوان به اعتراضات و اعتصابات گسترده و نافرمانی مدنی در خیابان‌ها، زندان‌ها و اعدامگاه‌های جمهوری اسلامی، در روز مهسا با هم عهدی دوباره می‌بندیم که تا پیروزی این جنبش از پا نشینیم.

ما کنشگران و فعالان این جنبش از سراسر جهان، در طول سال گذشته با راهکار شبکه‌سازی، به هم‌اندیشی، همپوشانی و هم‌افزایی نیروی خود پرداختیم و حاصل این تلاش جمعی، با پیام نه به جمهوری اسلامی، عرصه را برای نیل به سه مفاد از قرارداد اجتماعی جنبش گشود و سه رکن شعار بنیادین جنبش در قالب سه اتحاد گسترده مردمی بازتاب یافت: "زن" در اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی، "زندگی" در کارزار جهانی نه به اعدام در ایران و "آزادی" در شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران.

ما فعالین مستقل، سازمان‌ها، گروه‌ها، کارزارها و شبکه‌های مردمی، در دومین سالگرد جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، همراه و یک صدا خواستار تحقق و دستیابی به همه موارد زیر هستیم:

۱. محکومیت نمادین نقض مستمر و سیستماتیک حقوق بشر در ایران از سوی سازمان ملل متحد و پارلمان اتحادیه اروپا لازم اما کافی نیست. ما از سازمان ملل متحد و پارلمان اتحادیه اروپا خواستار سرعت بخشیدن به مرحله اجرایی بازدارندگی قاطع و موثر نقض حقوق بشر توسط رژیم هستیم.

۲. از مراجع قضایی بین‌المللی خواستار تحقیقات جنایی در خصوص جرایم مقامات جمهوری اسلامی و مسئولین نقض حقوق بشر در ایران، به ویژه رهبر و دادستان کل جمهوری اسلامی، بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل و با مکانیسم پیگردهای تالی قضایی، و وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایشان؛ به موازات اهتمام به اجرا و نظارت بر حسن اجرای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایشان و جمهوری اسلامی هستیم.

۳. از دولت‌های متعهد به رعایت حقوق بشر خواستار آغاز روند معنادار و موثر

۴. از دولت‌های متعهد به رعایت حقوق بشر خواستار ممانعت از آزادسازی منابع مالی توقیف شده ایران که توسط جمهوری اسلامی به مصرف سرکوب داخلی و تروریسم بین‌المللی می‌رسد، هستیم. این منابع به ملت ایران تعلق داشته و باید مصروف خواست ملت ایران در راستای تحقق آزادی و دموکراسی پایدار در ایران گردند.

۵. از دولت‌های متعهد به رعایت حقوق بشر خواستار وارد نمودن تبصره ای در قرارداد های بین المللی با جمهوری اسلامی هستیم، که تعهد طرف غیر ایرانی به قرارداد را منوط به التزام جمهوری اسلامی به رعایت حقوق بشر نماید.

۶. از کنشگران مدنی و سیاسی همه کشورهای جهان درخواست می‌نماییم کنشگران مدنی و کارزارهای دادخواهی ایران را در تشکیل هسته‌های محلی دادخواهی در خصوص جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی، نقض اصل حیات با مجازات اعدام، و نقض اصل آزادی اندیشه و بیان با جرم و زندان سیاسی، یاری نمایند.

بزرگرفته از مدیای اجتماعی

۱. محکومیت نمادین نقض مستمر و سیستماتیک حقوق بشر در ایران از سوی سازمان ملل متحد و پارلمان اتحادیه اروپا لازم اما کافی نیست. ما از سازمان ملل متحد و پارلمان اتحادیه اروپا خواستار سرعت بخشیدن به مرحله اجرایی بازدارندگی قاطع و موثر نقض حقوق بشر توسط رژیم هستیم.

۲. از مراجع قضایی بین‌المللی خواستار تحقیقات جنایی در خصوص جرایم مقامات جمهوری اسلامی و مسئولین نقض حقوق بشر در ایران، به ویژه رهبر و دادستان کل جمهوری اسلامی، بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل و با مکانیسم پیگردهای تالی قضایی، و وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایشان؛ به موازات اهتمام به اجرا و نظارت بر حسن اجرای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایشان و جمهوری اسلامی هستیم.

۳. از دولت‌های متعهد به رعایت حقوق بشر خواستار آغاز روند معنادار و موثر

## بیانیه مشترک شبکه‌ها، پویش‌ها و کارزارهای دادخواهی در دومین سالروز شروع انقلاب زن زندگی آزادی



۲۱. کادر درمان برلین برای حقوق بشر و دموکراسی (برلین مد)
۲۲. کانون خاوران
۲۳. کانون سیمرغ کبک، کانادا
۲۴. کانون فرهنگی ایرانیان هلند
۲۵. کانون گزارشگران حقوق بشر کردستان
۲۶. کمیته بین‌المللی دفاع از حقوق زنان
۲۷. کمیته توقف قتل‌های ناموسی
۲۸. کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
۲۹. کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۳۰. گروه انسان آزاد، آلمان
۳۱. گروه فعالین حقوق بشر
۳۲. نهاد متحد برای پایان دادن به اعدام‌ها در ایران
۳۳. نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان
۳۴. نیکا، شبکه ایرانیان خواهان آزادی و دموکراسی
۳۵. همه برای ایران، ژنو، سوئیس
۳۶. MCSDI، آمریکا
۳۷. Free them now
۳۸. IWD Victoria B.C Canada
۳۹. Stage of Freedom, UK
۴۰. Woman Life Freedom, Göttingen e.V.

۱. اتحادیه بین‌المللی پناهندگان، ترکیه
۲. انجمن حقوق بشر در قرن ۲۱
۳. انجمن خانواده‌های دادخواه آبان
۴. انجمن دادخواهان ایران
۵. انجمن فنیکس، فرانسه
۶. انجمن ایرانیان، هلند
۷. انجمن زن زندگی آزادی، گراتس، اتریش
۸. ایرانیان جمهوری خواه استرالیا (یار)
۹. ایران آزاد، سوئیس
۱۰. بنیاد مهسا، دانمارک
۱۱. بنیاد مهر
۱۲. جبهه ملی ایران برون مرز، لس آنجلس، کالیفرنیا
۱۳. جمهوری خواهان انقلاب مهسا(جام)، هایدلبرگ، آلمان
۱۴. دادخواهان کردستان
۱۵. رسانه نولتری مستقل سیمرغ نیوز
۱۶. زنان در کردستان علیه تبعیض جنسیتی
۱۷. سولیدریتی سازمان چپ ضد کاپیتالیسم، سوئیس
۱۸. شبکه ایرانیان نیوز
۱۹. شورای همبستگی آزادی برای ایران
۲۰. فدراسیون اروپرس





دارند. دو نهاد دزد "بنیاد تعاون" و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده بالای حکومت تا بیت خامنه ای هستند، سهامداران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند.

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند از اعتراضاتشان حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

## تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

امروز دوم مهر ماه بازنشستگان مخابرات به روال دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، تهران، سنندج، اردبیل، رشت، و قائمشهر با شعارهایی مثل "تا حق خود نگیریم از ما نمی نشینیم" برگزار شده اند.

در این روز همچنین کارکنان مخابرات منطقه تهران در اعتراض به تاخیر پرداخت حقوق ماهیانه خود و با اعلام اینکه در صورت عدم دریافت تا هر روزی که حقوق داده شود این تجمع و اعتراضات را ادامه خواهند داد در محوطه حیاط ساختمان شاهد تجمع کردند.

اعتراض بازنشستگان در سطح سراسری به فقر، گرانی، تبعیض و نابرابری، اختلاسها و دزدیها و بساط سرکوب حکومت است. بازنشستگان مخابرات بعلاوه به عدم اجرای آیین نامه سال ۸۹ که اندک بهبودی در وضعیت حقوقی شان ایجاد میکند و نیز عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی شان از بیست درصد به پنجاه درصد اعتراض

## بیانیه شورای بازنشستگان ایران

### قتلگاه کارگران، گنج گاه سرمایه داران

### معادن ایران بوی مرگ میدهند!

### از کرمان تا شازند از یورت تا طبس، کارگران میمیرند

درجه سختی برای کارگران معدن وقتی بالاتر می رود که در ازای ساعتها کار مداوم در تونل های نایمن و پرحادثه، نه قرارداد کاری با آنها بسته می شود و نه پرداخت مطالبات حقوقی به موقع انجام می شود. در حالی که بخش معدن در سالهای اخیر، بیشتر در حوزه حوادث کار با کشته شدن صدها کارگر خبرساز بوده اما کارگران معادن، بارها با طرح مطالباتی چون لغو قراردادهای موقت، افزایش دستمزد، پرداخت بیمه، پاداش و مزایای سختی کار، اجرای طرح طبقه بندی و مخصوصاً افزایش سطح ایمنی و بهداشت کار، به شرایط حاکم بر این بخش اعتراض کرده اند. کارگران از طریق اعتصاب، تجمع و تحصن در برابر ادارات دولتی بارها مطالباتشان را به گوش مسئولین رسانده اند.

شرایط کار بسیار سخت در معدن خود به تنهایی ایجاب می کند که کارگران از بالاترین سطح زندگی و ایمنی کار برخوردار باشند ولی درجه شقاوت و بی رحمی سرمایه داران دولتی و خصوصی به حدی است که فاجعه پشت فاجعه در انتظار نیروی کار است. فاجعه معدن طبس یک کشتار جمعی به دست متولیان و مدافعان وضع موجود است. بیش از ۵۰ کارگر را کشته اند و بیش از ۵۰ خانوار کارگری در فقر طبس با نان آورشان دفن خواهند شد. اینها مرگ ناشی از حادثه نیست همچنانکه در یورت و پلاسکو و متروپل نبود. جنایتی بوقوع پیوسته و مسببان باید در پیشگاه نمایندگان واقعی معدنکاران و خانواده هایشان محاکمه شوند تا مشخص شود که کجا و چگونه برای تامین منفعت بیشتر با جان مردم بازی کرده اند.

اعلام عزای عمومی و اعلام "رسیدگی فوری به ماجرا"، سیاست نخ نمای است که بجز خشم بیشتر طبقه کارگر و خانواده های مصیبت دیده را در پی نخواهد داشت. ما در یک قطار نیستیم. #صف\_ما\_صف\_آنها، اول مهر ۱۴۰۳

آبان سال ۹۶، تعداد ۴۴ کارگر و مهندس معدن یورت در نزدیکی آزادشهر استان گلستان کشته شدند دلیلش عدم توجه صاحب معدن به وسایل و امکانات ایمنی معدن بود. دلیلش صفرهایی بود که مدام باید جلوی رقم سود صاحبان معدن اضافه میگردید!

چند سال قبل تر هم در سال ۸۸، ۱۲ کارگر در معدن باب نیروز قربانی شرایط نایمن کار شدند.

اکنون در اول مهر ۱۴۰۳ بزرگترین فاجعه معدنی در ایران رقم خورد و اینبار تا کنون حداقل ۵۲ نفر کشته و تعدادی هم مفقود و زخمی شده اند.

صاحبان معدن در ایران یک مافیای انحصاری هستند مافیایی از پدرخوانده گان طبقه سرمایه دار.

ایران با تقریباً ۱٪ از جمعیت جهان بیش از ۷٪ از کل ذخایر معدنی جهان را در اختیار دارد ثروتی معادل ۲۷ تریلیون دلار! ثروت عظیمی است!

از این رو میتوان درک کرد که چگونه پیمانکاران بخش خصوصی از طریق لابی و رانت بر این معادن مالک شده و براحتی و با بهره برداری از نیروی کار معدنکاران به هزاران میلیارد ثروت یورش می برند.

FREE THEM NOW  
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN  
FREE JAILED TEACHERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

FREE THEM NOW  
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN